



پیشگیری از جرایم بانکی از طریق ارتقای مسئولیت اجتماعی

دکتر رامین علیزاده* - دکتر حسین غلامی**

چکیده:

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (بانک‌ها) به‌عنوان یکی از موضوعات مهم نظام بانکداری است که یکی از آثار آن، پیشگیری از جرایم بانکی می‌باشد. پیاده‌سازی اصول و مقرره‌های مسئولیت اجتماعی در بانک‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. درواقع الگوی «مسئولیت اجتماعی»، یک اصطلاح مدیریتی است که در صورت اجرایی شدن آن، شاهد کاهش جرایم و تخلفات بانکی خواهیم بود. درواقع (CSR) یا مسئولیت اجتماعی بانک، تعهد واحد تجاری برای مشارکت در توسعه اقتصادی پاینده از طریق کار کردن با کارکنان، خانواده و جامعه برای بهبود کیفیت است و در این راستا می‌توان به ایزو ۲۶۰۰۰ و اصل اکواتور اشاره کرد. ایزو ۲۶۰۰۰ به‌عنوان استاندارد مسئولیت اجتماعی به بررسی چالش‌های شرکت‌ها پرداخته و اصول اکواتور نیز در ده اصل به‌دنبال استانداردسازی اجتماعی بانک‌ها می‌باشد که امروزه ۶۸ بانک بین‌المللی آن را پذیرفته‌اند. پس درواقع مسئولیت اجتماعی شرکت یا سی‌اس‌آر، بحث مدیریتی است که در حقوق نیز وارد شده است، زیرا سازکار پیشگیری است و در حقوق بانکی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. نظام پیشگیری حاصل از مسئولیت اجتماعی شرکت نیز سازکاری خودتنظیمی است که از مهم‌ترین تکنیک‌های غیرکیفری محسوب می‌گردد. در این مقاله سعی بر آن است به روش توصیفی - تحلیلی، با هدف تبیین مسئولیت اجتماعی، به نقش آن در پیشگیری از جرایم بانکی پرداخته شود.

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۵، نیمسال اول ۱۳۹۹
صفحه ۱۲۲-۹۹، تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۱۹

* دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، کارشناس حقوقی بانک رفاه کارگران و استادیار دانشگاه

آزاد اسلامی، واحد اردبیل، اردبیل، ایران، نویسنده مسئول
Email: lawyer921@gmail.com

** دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

Email: Hossin.gholami@atu.ac.ir

کلیدواژه‌ها:

مسئولیت اجتماعی، جرایم بانکی، اصل اکواتور، ایزو ۲۶۰۰۰.

مقدمه

نظام پولی و بانکی یکی از مصالح و ارکان اقتصادی هر جامعه است که نقش مهمی در تولید پول، مال، سرمایه و سود دارد، به طوری که بخش واقعی اقتصاد، یعنی تولید، توزیع، واردات، صادرات، امور بازرگانی، روابط معاملاتی و ... را که تولیدکننده پول، مال، سرمایه و سود است، به بخش مالی اقتصاد یعنی بازار پول و سرمایه پیوند داده است.^۱ از این رو حقوق کیفری ناظر به جرایم بانکی بخشی از جرایم و مجازات‌ها را به حمایت از نظم اقتصادی در مقابل سوءاستفاده‌ها و دارا شدن‌های نامشروع و ناعادلانه اختصاص داده که عمدتاً مبنایی سودجویانه داشته یا باعث ایراد خسارت به نظام اقتصادی خواهد شد.^۲ قانونگذاران نیز در جوامع مختلف مقرراتی را برای تضمین اعتماد به بانک‌ها وضع کرده‌اند و هدف تمامی این مقررات، معرفی بانک به عنوان واسطه‌ای قابل اعتماد و قابل اتکاء است.^۳ اینجاست که در صورت تخطی از قوانین و مقررات بانکی، حقوق کیفری کسب‌وکار که زیرمجموعه آن حقوق کیفری اقتصادی یا حقوق کیفری تجاری و حقوق کیفری مالی بانکی است، وارد عمل شده و از طرق مختلف نسبت به مجازات بزهکاران اقدام می‌کنند. در چرخه اقتصادی زیرمجموعه روابط کسب‌وکار که عبارت از تولید، توزیع و مصرف ثروت یعنی همان کالا و خدمات است، هدف کاستن اختیارات حقوق کیفری است زیرا هرچند که حقوق کیفری حمایتگر و ارزش‌گذار است، استفاده از تدابیر و اقدام‌های آن در این قبیل مناسبات هزینه‌بر نیز است.^۴ بنابراین حداقلی کردن حقوق کیفری برای حمایت از ارزش‌های پولی، مالی و بانکی، با استفاده از مکانیسم‌های مختلفی صورت می‌پذیرد که در وهله اول این قبیل مکانیسم‌ها الزاماً رنگ‌وبوی کیفری ندارند. بدین‌سان عمده‌ترین تمرکز برای اینکه بتوان روابط و مناسبات مالی بانکی و پولی را هم از بُعد حقوق کسب‌وکار و هم از نگرش حقوق

۱. نجفی ابرندآبادی، «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی»، ۲۵.

۲. آذری‌متین، *دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*، ۴۷.

۳. رحمدل، «جرایم بانکی»، ۳۶.

۴. نخستین هزینه آن بی‌اعتمادی است. آنچه که به شهرت شرکت و دیگر کنشگران اقتصادی لطمه خواهد زد. در همین راستاست که ریسک شهرت در نظام بانکی اهمیت زیادی دارد و مدیریت ریسک برای آن تدابیر ویژه‌ای را باید در نظر بگیرد. (جعفری، *علوم جنایی تطبیقی*، ۵۱).

کیفری سامان‌دهی کرد همان سازکار تنظیم است که در واقع چهارچوب‌دهی مناسبات کسب‌وکار با توجه به قواعد آمره است.^۵

درواقع اصل حداقل بودن حقوق جزا در قالب عناوین دیگر مانند حقوق جزا به‌عنوان آخرین وسیله^۶، اصل صرفه‌جویی کیفری^۷، اصل تکمیلی یا فرعی بودن حقوق کیفری^۸ و نیز اصل حقوق جزا به‌عنوان آخرین و حداقل وسیله با چاره^۹ مورد اشاره قرار گرفته است. این اصل مبنای ظهور رویکردی است که در سیاستگذاری کیفری/ جنایی از آن تحت عنوان رویکرد حداقلی/ کمینه^{۱۰} یا تقلیل‌گرا^{۱۱} یاد می‌شود.^{۱۲} در مقاله حاضر، مسئولیت اجتماعی شاخه‌ای مستقل از دیگر مسئولیت‌هاست و پس از مسئولیت اشخاص حقیقی و حقوقی، نسل سوم از انواع مسئولیت به‌شمار می‌رود. چنانچه این نوع از مسئولیت در سطح اجتماع نهادینه شود و تعامل میان شرکت و جامعه برقرار گردد، به سمت جامعه‌ای آرمانی حرکت خواهیم کرد که در آن شرکت‌های تجاری، در عین استفاده از منابع طبیعی و مالی، نیروی انسانی و زمینه‌های اقتصادی موجود در جامعه، در برابر محیط‌زیست، اقتصاد و اجتماع در مفهوم گسترده خود که شامل فرهنگ، ارزش‌ها، آداب‌ورسوم و ... می‌شود، مسئول خواهند بود.^{۱۳} به مرور زمان ابعاد مختلف این موضوع در نظام‌های حقوقی پیشرفته شناسایی و مطالعه شده، به‌طوری‌که امروزه به یک نهاد حقوقی مستقل تبدیل گردیده است^{۱۴}؛ اما انطباق جلوه‌های کنونی مسئولیت اجتماعی بانک‌ها در پیشگیری از جرایم بانکی به تحقیقات گسترده‌ای نیاز دارد که در این مقاله ابتدا به مفهوم جرایم بانکی و مسئولیت اجتماعی می‌پردازیم و سپس به توضیح آن به‌عنوان یکی از الگوهای نوین و مؤثر در پیشگیری از جرایم بانکی خواهیم پرداخت. در واقع، در این مقاله هدف اصلی تحقیق، بررسی الگوی جدید و تشریح آن در راستای کاهش جرایم بانکی می‌باشد. پرسش اصلی این است که آیا الگوی مسئولیت

۵. جعفری، علوم جنایی تطبیقی، ۵۲.

6. Criminal Law as the Last Resort

7. Principle of Penal Parsimony

8. Principle of Subsidiary of Criminal Law

9. Criminal Law as the Last and the Least Resort (Criminal Law As Ultima Ratio)

10. Minimalist Approach

11. Reductionist Approach

۱۲. غلامی، اصل حداقل بودن حقوق جزا، ۴۲.

۱۳. نوری و جوهر، «مفهوم‌شناسی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های تجاری در حقوق آلمان، فرانسه، انگلستان

و ایران با رویکرد تطبیقی»، ۲۸.

۱۴. امیدیانی، «نقش سنت حسنه وقف در توسعه علم و جایگاه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها»، ۱۲۶.

اجتماعی می‌تواند از جرایم بانکی پیشگیری نماید؟ که در پاسخ، فرضیه این است که مسئولیت اجتماعی می‌تواند در راستای پیشگیری از جرایم بانکی، مفید و مؤثر باشد و باتوجه به افزایش روزافزون فسادهای مالی، تحقیق حاضر می‌تواند از اهمیت بسیار والایی در پیشگیری از جرم برخوردار باشد.

۱- مفهوم جرایم بانکی و مسئولیت اجتماعی

۱-۱- مفهوم جرایم بانکی

در تعریف مضیق از جرایم بانکی، جرایم بانکی به جرایمی گفته می‌شود که تنها مجرای ارتکاب آنها عملیات بانکی است و بدون توسل به عملیات بانکی، ارتکاب این جرایم امکان‌پذیر نیست؛ مانند تأسیس بانک بدون اخذ مجوز فعالیت از بانک مرکزی، اشتغال به عملیات بانکداری بدون رعایت مقررات قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، استفاده غیرمجاز از عنوان بانک توسط مؤسسات اعتباری غیربانکی (موضوع بند «ب» ماده ۴۲ قانون فوق)، مداومت در اشتغال غیرمجاز به عملیات بانکی (موضوع تبصره ۴ ماده ۱ قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۳) و ادامه تصدی مدیران متخلف در حوزه پولی و بانکی پس از سلب صلاحیت حرفه‌ای و انفصال از مسئولیت مربوطه توسط بانک مرکزی (موضوع تبصره ۳ ماده ۹۶ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹).^{۱۵} بنابراین باتوجه به تعریف مضیق فوق، جرایم بانکی صرفاً از سوی خود بانک صورت می‌گیرد که تعداد محدودی را دربرمی‌گیرد که در بالا به آنها اشاره گردید.

۱-۲- مفهوم مسئولیت اجتماعی (سی‌اس‌آر)

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها^{۱۶} در یک تعریف ساده مسئولیتی است که بانک‌ها در مقابل جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند، به‌عهده دارند. درواقع شرکت‌های تجاری در معرض فشارهای شدیدی از سوی مردم، سهام‌داران، کارگران شرکت، مشتریان و مصرف‌کنندگان، سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکلهای مدنی و در یک کلام، جامعه در مفهوم گسترده خود هستند. تحت این فشارها و مسئولیت‌های نامحدود درزمینه اقتصاد، اجتماع و محیط‌زیست،

۱۵. سمیعی، «سیاست کیفری ایران در قلمرو جرایم بانکی»، ۳۱.

16. Corporate Social Responsibility (CSR)

وظایف سنگین برای شرکت بار می‌آورد.^{۱۷}
درواقع، دوره‌ای که تنها وظیفه شرکت‌ها تولید اقتصادی بود، گذشته است و این وظیفه متحوّل شده است.^{۱۸}

در حال حاضر شرکت‌ها باید به وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی به‌عنوان یک راهبردی توسعه‌ای بنگرند. به این معنا که اولاً دستیابی به این اهداف را که در قالب مسئولیت بر شرکت تحمیل می‌شود، به‌عنوان یک امر هزینه‌ای نگاه نکنند، چراکه در درازمدت سود سرشاری را برای شرکت به ارمغان خواهد آورد و باعث شهرت تجاری شرکت می‌گردد؛ دوم اینکه، رعایت این مسئولیت، امکان منفعت اجتماعی را فراهم می‌کند که در نتیجه به منفعت شخصی شرکت که همان کسب سود و شهرت تجاری است، می‌انجامد.^{۱۹}

در تعریفی دیگر، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها ترکیب اختیاری دغدغه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌ها با فعالیت‌های تجاری آنان در ارتباط با اشخاص ثالث مرتبط با شرکت است. شرکتی که به‌لحاظ اجتماعی مسئول است، نه‌تنها تعهدات قانونی لازم‌الاجرا را رعایت می‌کند، بلکه فراسوی تعهدات قانونی رفته، اقداماتی را درخصوص فرهنگ، محیط‌زیست و اقتصاد جامعه به‌صورت اختیاری انجام می‌دهد.^{۲۰} در توضیح این تعاریف باید گفت که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها مفهومی در حال تحول و دگرگونی است. این مفهوم در وهله اول کیفی و غیرقابل اندازه‌گیری است؛ به این معنا که نمی‌توان گفت که اقدامات یک شرکت در سطح جامعه تا چه اندازه توجه مردم را به خود جلب کرده است.^{۲۱}

از آنجاکه ارزش‌های موجود در هر جامعه‌ای متفاوت با جامعه دیگر است و این ارزش‌ها دائماً در حال تغییر هستند، شرکت‌ها نیز باید خود را با این چندگانگی انطباق دهند.^{۲۲} همچنین، مفهوم مسئولیت اجتماعی مثل چتری است که خواسته‌های متفاوت و گاهی اوقات کاملاً متناقض را در هر جامعه‌ای پوشش می‌دهد.^{۲۳} در بیانی دیگر، هر دوره‌ای از تاریخ، خواسته‌ها و عقاید خاص خود را به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تحمیل می‌کند و در دوره‌ای که ما در آن قرار داریم، مفهوم اخلاقی مسئولیت اجتماعی، جای خود را به مفهوم بشردوستی

17. Joras Igalens, and Mancy, *La Responsabilite Sociale De Lentreprise*, 128.

18. Frederick, "From CSR1 to CSR2-The Maturing of Business- and- Society Thought," 63.

19. Drucker, *la pratique de la direction des entreprises, the practice of management*, 75.

20. Rose, "la france est venue tardivement a la RSE, mais elle va vite," 88.

21. Turcotte, "l'industrie financiere les fonds responsables, tutti frutti devenir," 48.

22. Okoye, "Theorising Corporate Social Responsibility as an Essentially Contested Concept: Is a Definition Necessary," 98.

23. Delalieux, *linfluence des ideologies dans le developpement*, 75.

که سطح بالاتری از مسئولیت اخلاقی است، داده است.^{۲۴} پس در کل، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها عبارت است از: «تعهدات فراقانونی شرکت و مسئول بودن در برابر همه بخش‌های جامعه، سرمایه‌گذاری در زمینه‌های انسانی و ایجاد رابطه با سازمان‌ها و گروه‌های حامی حقوق بشر که در عین حال، ساخت آینده جامعه با هدف توسعه پایدار را نیز شامل می‌شود.»^{۲۵} آغازگر و طراح مفهوم مسئولیت اجتماعی، هاوارد بوون^{۲۶} آمریکایی بود. کسی که مفهوم مسئولیت اجتماعی تجار را در مقابل جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند، مطرح کرد.^{۲۷} به عقیده وی، مسئولیت اجتماعی، تعهد تجار در راستای احترام به قواعد و هنجارهای موجود در جامعه، ارزش‌ها و سنت‌های مردم، پیروی از سیاست‌های عمومی در تصمیم‌ها و فعالیت‌های آنان است.^{۲۸} مفهوم مسئولیت اجتماعی، از تجار حقیقی آغاز شده و به مسئولیت‌های اجتماعی بانک‌ها که تجار حقوقی هستند، تسری یافته است و امروزه به‌طور گسترده از مسئولیت‌های آنان در مقابل اجتماع بحث می‌شود.

بر این اساس، سی‌اس‌آر را می‌توان به چهار بُعد اقتصادی، حقوقی، اخلاقی و ملی تقسیم نمود. مهم‌ترین بُعد آن، بُعد اقتصادی است که در آن، فعالیت‌ها و اقدامات اقتصادی آن مدنظر قرار می‌گیرد. در این رابطه، کسب سود، حفظ منافع صاحبان و مالکان ارائه کالا و خدمات با کیفیت و قیمت‌های مناسب و ایجاد بازار کار برای نیروی انسانی جامعه مورد توجه می‌باشد.^{۲۹} دومین بُعد، بُعد حقوقی (قانونی) التزام شرکت‌ها به انجام قانون و رعایت مقررات را شامل می‌شود. سومین بُعد، بُعد اخلاقی است که متأثر از موازین و ضوابط اخلاقی حاکم بر کل جامعه است. از این رو از شرکت‌ها انتظار می‌رود که همچون سایر اعضای جامعه به ارزش‌ها، هنجارها و اعتقادات و باورهای مردم احترام گذاشته و شئون اخلاقی را در کارها و فعالیت‌های خود مورد توجه قرار دهند و آخرین بُعد آن، بُعد ملی است که شامل انتظارات، خواسته‌ها و سیاست‌های مدیریت عالی کشور است.^{۳۰}

24. Pasquero, la responsabilite sociale de l'entreprise comme obj des sciences de gestion, 70.

۲۵. نوری و جوهر، پیشین، ۱۳۹۳، ۲۴.

26. Howard R. Bowen

۲۷. نام کتاب بوون *What Responsibilities to Society May Businessmen Reasonably be Expected to Assume* است که آن را در سال ۱۹۵۳ میلادی نوشته است.

28. Gond, Mullenbach, "les fondements theoriques de la responsabilite societale de l'entreprise," 46.

۲۹. براتلو، «مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها»، ۷۹.

۳۰. الوانی و قاسمی، «مدیریت و مسئولیت‌های اجتماعی سازمان»، ۹۲.

مسئولیت اجتماعی، یک مفهوم در حال نمو و تکامل است که شرکت‌ها به دامنه وسیعی از ذی‌نفعان، فراسوی سهامداران مسئولیت دارند که در مرکز ثقل مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها قرار دارد.^{۳۱}

پس مسئولیت اجتماعی شرکت دربرگیرنده موارد زیر است: ۱- تعهد به جامعه؛ ۲- مشارکت ذی‌نفعان؛ ۳- بهبود کیفیت زندگی؛ ۴- توسعه اقتصادی؛ ۵- پیاده‌سازی کسب‌وکار اخلاقی؛ ۶- قانون‌مداری؛ ۷- اقدامات داوطلبانه؛ ۸- حقوق بشر؛ ۹- حفاظت از محیط‌زیست؛ ۱۰- شفافیت و پاسخگویی.^{۳۲} بنابراین مطالعه موضوع مسئولیت اجتماعی به دلایل ذیل دارای اهمیت می‌باشد:

- تصمیمات مدیران در بخش‌های مختلف جامعه تأثیرات عمیق می‌گذارد؛ بنابراین توجه مدیران به مسئولیت‌های اجتماعی‌شان در زمان اتخاذ تصمیم، اهمیت زیادی دارد تا از تحمیل خسارت بر جامعه جلوگیری گردد؛
- چنانچه اشخاص از جمله بانک‌ها خود را نسبت به رویدادها، اتفاقات و بحران‌های مختلف مسئول دانسته و در حل بحران‌ها تلاش کنند، بسیاری از بحران‌ها در زمان کوتاه حل شده و جامعه‌ای سالم و آرام به‌وجود می‌آید؛
- بانک‌ها برای حفظ بهبود جایگاه خود در جامعه باید به مسئولیت‌های اجتماعی‌شان توجه کرده تا جامعه دامنه فعالیت‌های آنها را محدود نکنند و از مشروعیت در جامعه برخوردار باشند؛
- عملکرد شرکت‌ها بر جامعه تأثیر می‌گذارد و این تأثیر، خوب یا بد، به خود شرکت منعکس می‌گردد؛ بنابراین بدعمل کردن مدیران موجب بروز مشکلاتی برای جامعه می‌شود که درنهایت گریبان خودشان را نیز خواهد گرفت؛
- هزینه جامعه‌ای، با مدیرانی که نسبت به آن احساس مسئولیت نمی‌کنند بسیار بالاست. شرکت‌ها اگر به اهداف اجتماعی خود حرمت نهند، آلودگی محیط، فقر، بیماری، تبعیض و نابسامانی محیط‌شان را فراخواهد گرفت و اگر با اندکی دوراندیشی به قضیه ننگرند، این مشکلات درنهایت گریبان خودشان را نیز خواهد گرفت.^{۳۳}

۳۱. حساس و برزگر، «مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و پارادایم تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری»، ۲۵.

32. Mohamed Safwat, "Corporate Social Responsibility: Rewriting the Relationship between Business and Society," 108.

۳۳. امیرقاسم‌خانی، «مسئولیت اجتماعی شرکت و نقش آن در کسب مزیت رقابتی»، ۴۷.

۲- نظام پیشگیری حاصل از مسئولیت اجتماعی در حقوق بانکی

یکی از آثار رعایت اصول مسئولیت اجتماعی، سودآوری است. بانک‌ها برای تبعیت از اصول مسئولیت اجتماعی از جمله اصل مبارزه با فساد دلایل گوناگونی دارند که به‌طور غیرمستقیم برای آنها سودآور است. به این دلیل از «سه سود در ترازنامه» سخن به میان می‌آید^{۳۴}؛ بنابراین باتوجه به اصول مسئولیت اجتماعی، شرکت‌ها می‌توانند به سه گونه سود دست یابند: اجتماعی^{۳۵}، زیست‌محیطی و سود سنتی یا همان سود مالی. اتخاذ چنین تصمیمی برای شرکت و در امور تجاری یک تصمیم راهبردی است و به همین علت تحت عنوان «مسئولیت استراتژیک اجتماعی شرکت»^{۳۶} شناخته می‌شود.^{۳۷}

برای حقوق دانان، درجهت اخلاقی کردن دنیای کسب‌وکار و هم‌زمان، جلوگیری نمودن از ورود کنشگران آن به دادرسی‌های کیفری، مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت (بانک) اهمیت بسزایی پیدا می‌کند؛ زیرا این مفهوم، کارکردی پیشگیرانه دارد. در این صورت، منابع نرم حقوقی، به‌منظور جلوگیری از هرگونه مشکل و پیشامد ناگوار کیفری در زندگی کسب‌وکار وارد می‌شوند. درواقع مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت، همان تصمیم‌گیری اخلاقی^{۳۸} در قلب شرکت تجاری است. در این راستا، مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت، نه‌تنها اقدامات و فعالیت‌های تجاری شرکت را اخلاقی و قاعده‌مند می‌نماید، بلکه رفتار هر کارمند را نیز اصلاح کرده و او را ملزم به رعایت اخلاق می‌کند.^{۳۹} همچنین در عمل، مسئولیت اجتماعی شرکت در کدهای اخلاقی و حرفه‌ای هر شرکت منعکس شده است. در کشور فرانسه، جریانی که در این راستا شکل گرفت، توسط قانون تنظیمات جدید اقتصادی (NRE) ۱۵ می ۲۰۰۱، دنبال شد و آخرین مرحله آن اصلاح ماده ۱-۱۰۲-۱ L۲۲۵-مجموعه مقررات تجاری توسط ماده ۳۲ از قانون شماره ۱۲۴۹-۲۰۱۰ مورخ ۲۲ اکتبر ۲۰۱۰ تنظیمات بانکی و مالی است. در این قانون پیش‌بینی شده است که اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت، باید در گزارش سالیانه

۳۴. در اصطلاح مالی سودی است که در انتهای ترازنامه ارائه می‌شود.

۳۵. اشتها به پای‌بندی نسبت به اصول اجتماعی، وجهه مثبتی برای شرکت به حساب می‌آید و مشروعیت‌ساز است و این موارد اعتماد را در روابط تجاری افزایش می‌دهند.

36. Strategic Corporate Responsibility

۳۷. جعفری، حقوق کیفری کسب‌وکار، ۵۳.

38. Ethical Decision Making

۳۹. برای مثال سیاست‌های ضدفساد (مبارزه با رشا و ارتشا) و سیاست‌های پذیرش هدیه از سوی طرفین قرارداد یا ارباب‌رجوع در حوزه مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت می‌باشند.

مدیریتی شرکت ارائه شود که فهرست اطلاعات ارائه شده به صورت خلاصه به دو صورت است: اطلاعات الزامی و اطلاعات تکمیلی. اطلاعات الزامی که الزاماً باید در گزارش سالانه هیئت مدیره یا هیئت نظار ارائه شود که به آن الزام به گزارش دهی موارد مسئولیت اجتماعی شرکت می گویند^{۴۰} که شامل اطلاعات اجتماعی (استخدام، سازمان دهی کار، روابط اجتماعی، بهداشت و امنیت^{۴۱}، آگاهی و آموزش و برابری درمان)، اطلاعات زیست محیطی (سیاست های کلی در موضوع محیط زیست، آلودگی و مدیریت دفع زباله ها، استفاده پایدار از منابع، تغییرات آب و هوایی، حفاظت از تنوع زیستی) و اطلاعات راجع به تعهدات اجتماعی شرکت به نفع توسعه پایدار (تأثیر ارضی، اقتصادی و اجتماعی فعالیت شرکت و قرارداد با تولیدکنندگان و توزیع کنندگان) است. اطلاعات تکمیلی هم شامل اطلاعات اجتماعی (ساختار کار در شرکت، بهداشت و امنیت، ترفیعات و شرایط اساسی ذکر شده در سازمان بین المللی کار)، اطلاعات زیست محیطی (سیاست کلی در خصوص محیط زیست، استفاده پایدار از منابع و تغییرات آب و هوایی) و اطلاعات راجع به تعهدات اجتماعی شرکت در جهت توسعه پایدار (قراردادهای میان تولیدکنندگان و توزیع کنندگان، صداقت و راست کرداری در عمل و شفافیت که اقدامات صورت گرفته برای پیشگیری از فساد یکی از مصادیق آن است) می باشد. پس توجه و استفاده از مسئولیت اجتماعی برای بانکها اجباری نیست و در واقع اختیاری بودن آن، بدیهی به نظر می رسد؛ زیرا برای مثال، یک شرکت فراملیتی بزرگ نباید مجبور باشد اصول اجتماعی را که هیچ قانونی آن را الزامی نکرده است، اجرا کند؛ اما از سوی دیگر، اجرای آن از طرف شرکت ستودنی است زیرا نشان از اراده شرکت به نزدیک شدن به ارزش های اجتماعی دارد. بدین ترتیب نتیجه اختیاری بودن مسئولیت اجتماعی شرکت و راهبری آن، توافق به یک راهبری جهانی^{۴۲} از طریق اجماع بر حاکمیت ارادی^{۴۳} مسائل اجتماعی شرکتی است.^{۴۴} راهبری ارادی شرکت در چهارچوبی از مجموعه توافقیها که رفتار تمام افراد مشمول در یک صنعت یا سازمان باید با آن مطابقت داشته باشد، هدایت می شود. در واقع این امر برای تضمین اجرای صحیح عملکرد شرکت و خدمات آن پی ریزی شده است. در نتیجه، راهبری ارادی جهانی شرکت از طریق استانداردسازی ارزش های مسئولیت اجتماعی که پیش از آن مورد توافق

40. CSR Reporting

41. HSE: Health, Security and Environment

42. Global Governance

43. Voluntary Governance

44. Global Governance through Voluntary Consensus

جمعی قرار گرفته، به‌وسیله مجموعه‌ای از سازمان‌ها، اجرا می‌شود.

پس در واقع مسئولیت اجتماعی شرکت یا سی‌اس‌آر، بحث مدیریتی است که در حقوق نیز وارد شده است، زیرا سازکار پیشگیری است و برای مدیریت ریسک در حقوق بانکی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در واقع مسئولیت اجتماعی شرکت از نظر حقوقی عبارت است از مجموعه ترتیب‌های اتخاذ شده توسط شرکت برای اجرای فعالیت‌های خود به صورت پایدار در زمینه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی. در واقع در مسئولیت اجتماعی شرکت به این سؤال باید پاسخ داده شود که چه اقدام‌هایی در یک شرکت صورت پذیرد تا در روابط کسب‌وکار تداوم داشته و کارآمد باشد؟

مدیران شرکت با توجه به سازکار مسئولیت اجتماعی شرکت، پایداری شرکت خود را تضمین می‌کنند. این سازکار نیز دارای منشأ اخلاقی است و در چهار محور جلوه می‌کند:

۱- اقتصادی: در این محور به موضوع‌هایی چون روابط تجاری با مشتریان، نحوه تعامل و برخورد با عناصر چرخه تولید یعنی تولیدکنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان، چگونگی گزارش‌دهی به سهام‌داران و مباحث نظام مالیاتی پرداخته خواهد شد.

۲- اجتماعی: شرایط اجتماعی همکاران شرکت، چگونگی اطلاع‌رسانی، نحوه تشکیل جلسات شرکت، چگونگی نظام سوددهی سهام و پاداش مدیران مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۳- محیط‌زیستی: در این حوزه مباحث مهمی مانند، شرایط محیط فعالیت شرکت، شرایط و نحوه حمل‌ونقل محصولات، طریقه و چگونگی استفاده از محصولات ملحوظ خواهد شد. به‌عنوان مثال، یک شرکت پتروشیمی باید پاسخ‌گو باشد که چطور از محصولات این شرکت استفاده خواهد شد؟ آیا تولید پتروشیمی مطابق با استانداردهای محیط‌زیست است؟ آیا بانک‌ها در تسهیلات اعطایی و تخصیص اعتبار به این شرکت‌ها، محیط‌زیست را در نظر داشته‌اند؟

۴- روابط مدنی: در این محور به رابطه و چگونگی ارتباط شرکت با عناصر جوامع مدنی و نمایندگی آنها پرداخته خواهد شد؛ مانند آنکه در حقوق کار که از شاخه‌های حقوق کسب‌وکار است، مسئله نهادهای عمومی، سندیک‌ها، اتحادیه‌ها و نمایندگی‌های آنها و مباحث سازمان‌های مردم‌نهاد^{۴۵} مورد بررسی قرار می‌گیرد.

حضور این مفاهیم مدیریتی در نظام حقوق بانکی به دلیل اهمیت مدیریت ریسک‌های بانکی است. این مدیریت ریسک‌های بانکی در سطح مسئولیت اجتماعی شرکت در واقع تقابل

میان ذی‌نفعان خارجی و ذی‌نفعان داخلی (سهامداران) در بانک‌ها یا روابط بانکی - مالی است.

در بُعد حقوقی، ادراک اجتماعی شرکت، در قالب مسئولیت اجتماعی شرکت نمود پیدا می‌کند؛ یعنی اینکه شرکت چه اقدامی انجام دهد که به‌طور مسئولانه فعالیت کسب‌وکار انجام داده و پایدار باشد. لذا در اینجا است که مسئله خودتنظیمی مطرح می‌شود. بدین‌صورت که شرکت در محورهای چهارگانه اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی و روابط مدنی به چه صورت باید رفتار نماید تا مانع حضور دولت به‌عنوان تنظیم‌گر در فعالیت‌های خود شود. برای مثال، روابط شرکت با محیط‌زیست به چه صورت باید تنظیم گردد که مقررات محیط‌زیست مانع از انجام فعالیت شرکت نشده و شرکت همچنان فعال باقی بماند یا اینکه شرکت به چه نحو باید با کارمندان خود رفتار نماید تا از منظر حقوق کار میان کارمندان و شرکت مسئله‌ای ایجاد نشود.

نظام پیشگیری حاصل از مسئولیت اجتماعی شرکت، سازکار خودتنظیمی است که از مهم‌ترین تکنیک‌های غیرکیفری است که خود به چندین سازکار درونی و بیرونی تقسیم شده است. در تنظیم‌های درونی که مسئولیت اجتماعی یکی از اصول آن می‌باشد، هدف نظارتی و پیشگیری و در تنظیم بیرونی، هدف حمایت کردن از ارزش‌های اساسی اولیه است. در واقع، تنظیم که چهارچوب‌دهی مناسبات کسب‌وکار باتوجه‌به قواعد آمره است که الزاماً قواعد کیفری نیستند و تنظیم یا چهارچوب‌دهی محدودیت‌زاست و دولت‌ها برای دستیابی به اهداف اقتصادی خود از این چهارچوب‌دهی استفاده می‌کنند. پس خودتنظیمی سازکاری است که فراتر از منشورهای اخلاقی است با ضمانت‌اجرای قوی‌تر. از جمله اقدامات پیشگیرانه از طریق سازکار مسئولیت اجتماعی شرکت می‌توان از تصمیمات استراتژیک شرکت نام برد که علاوه‌بر افزایش کارایی، محیط‌زیست را آلوده نکنند، تدابیری اتخاذ کند که نمایندگان سندیکاها و شرکت‌ها در زمینه حقوق کار با مشکل روبه‌رو نگردند، سازمان‌دهی نظام پاداش‌دهی‌ها به‌گونه‌ای که مقررات «قانون تجارت» رعایت شود و مواردی از این قبیل.^{۴۶} این اقدام‌ها موجب می‌شود تا میزان ریسک حقوقی کاهش یابد و از خدشه‌دار شدن اعتبار شرکت جلوگیری به‌عمل آید؛ بنابراین نظام خودتنظیمی از طریق مسئولیت اجتماعی شرکت

۴۶. به این جهت است که شرکت اصطلاحاً بیان می‌کند که «سود» برده است که در اصطلاح متون آمریکایی به «سه سود» موسوم است؛ یعنی سودی که یک بُعد آن سود سنتی است، زیرا با این اقدام‌ها باعث افزایش کارایی و بهره‌وری می‌شود و دو بُعد دیگر آن سود اجتماعی و زیست‌محیطی است.

برای پیشگیری از ریسک، کارایی خواهد داشت.

در نظام حقوق بانکی، نمود مسئولیت اجتماعی شرکت به این صورت است که با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، اطلاعات کافی و آموزش‌های لازم به کارمندان، مدیران (ارشد و میانی) راجع به مسائلی که می‌توانند شرکت را از لحاظ حقوقی و مدیریتی درگیر کند آموزش داده شده و ضمانت‌اجرای آن نیز گوشزد می‌شود. لذا به فرد آموزش‌های لازم و ضمانت‌اجراهای تخطی از قوانین و مقررات آموخته خواهد شد. در این صورت با آموختن و یادگیری مسائل فوق که از نمودهای مسئولیت اجتماعی است، کارکنان و حتی خود بانک به مدیریت مدیران مربوطه، نسبت به ارتکاب جرم بانکی، حساس شده و هرچقدر این آموزش‌ها، ارتقاء یابد و تقویت شود و در اجتماع، مسئولیت‌های جمعی احساس گردد، به همان میزان در پیشگیری و کاهش جرایم بانکی مفید و مؤثر خواهد بود؛ و به عبارتی، همین احساس مسئولیت، موجب آبروداری تجاری و تأثیرگذاری خواهد بود. علاوه بر آن در ایران، همانند دیگر کشورها، بانک‌ها با اقدام‌هایی همچون مدرسه‌سازی، خدمات عام‌المنفعه، اهدای آمبولانس به بیمارستان‌ها و یا ارسال هزینه‌های تبلیغاتی اعیاد (از جمله هزینه چاپ تقویم، سررسید و سایر اقلام تبلیغاتی) به آسیب‌دیدگان حوادث غیرمترقبه مثل سیل، زلزله و ... درصدد هستند تا نشان دهند که بانک علاوه بر اینکه متناسب با قواعد و اصول بانکی اقدام می‌کند، برای مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی نیز اهمیت قائل می‌شود و به همین منظور مداخله یا دخالت حداقلی دولت به صورت نظارت‌های احتیاطی و حتی کیفری از طریق خود بانک دنبال می‌شود؛ اما درحقیقت امر باید توجه داشت که بانک‌ها مؤسسات خیریه نیستند و هدفی جز سود بردن ندارند. یکی از طرق این سود بردن، سپرده‌گذاری مردم در بانک‌هاست؛ آنهایی که به نظام خودتنظیمی بانک اعتماد کرده‌اند.^{۴۷}

شاید هدف سهامدار یک بانک متداول دستیابی به حداکثر سود به هر طریقی باشد، حال می‌خواهد به محیط‌زیست از طریق اعطای تسهیلات آسیب برساند یا خیر. تنها موضوعی که مورد توجه آنها قرار می‌گیرد، سود است؛ اما آنچه بانکداری اجتماعی^{۴۸} و بانکداری اسلامی^{۴۹}

۴۷. جعفری، علوم جنایی تطبیقی، پیشین، ۵۴.

۴۸. Social Banking: بانکداری اجتماعی به‌نوعی از بانکداری اطلاق می‌شود که اهداف اجتماعی و اقتصادی را هم‌زمان و هم‌سو با هم دنبال می‌کند. به عبارت ساده‌تر در این نوع از بانکداری به اجتماع و مسائل مرتبط به آن توجه خاص می‌شود که مهم‌ترین تفاوت آن با بانک‌های تجاری همان بحث سود است که بانکداری اجتماعی به دنبال حفظ منافع در دو رکن اصلی جامعه یعنی محیط‌زیست و افراد جامعه می‌باشد

در بطن بانکداری مدرن پیگیری می‌کنند، این است که به‌دست آوردن سود به هر قیمتی مجاز نیست.^{۵۰} گروه‌هایی که نسبت به جامعه احساس مسئولیت می‌کنند، می‌توانند از طریق شبکه‌های اجتماعی همدیگر را پیدا کنند، فرصتی که قبلاً امکان‌پذیر نبود اما حالا می‌توانند منابعشان را مطمئن‌تر درون این شبکه‌ها به کار بیندازند و برای اهداف متعالی‌تری منابع را بگردانند. بانکداری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی، ابزاری برای تحقق اهداف بانکداری اسلامی به‌شمار می‌رود. علت اینکه بانک‌های اسلامی با مبانی تئوریک بانکداری اسلامی فاصله گرفته‌اند، عدم دسترسی بانک‌ها به اطلاعات مشتری و عدم دسترسی مشتریان به اطلاعات بانک‌هاست. همیشه اطلاعات درون بانک مانند جعبه سیاه برای مشتری است کما اینکه بسیار رایج و مرسوم است که مشتری دو دفتر مالی داشته باشد، یکی برای بانک و یکی برای خودش، یعنی اطلاعاتش را همیشه نسبت به بانک مخفی کرده است. در نتیجه بانک نسبت به اطلاعات او دسترسی ندارد و وقتی می‌خواهد در یک فعالیت اقتصادی مشارکت کند، اولین سؤالی که برای بانک مطرح می‌شود این است که من چگونه به این مشتری اعتماد کنم؟ درحالی که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در این زمینه کمک کنند. از سوی دیگر این دیدگاه وجود دارد که بانکداری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی با بانکداری سنتی در تقابل است و به‌نظر می‌رسد این مدل در جهت پیشبرد اهداف بانکداری اسلامی بهتر از بانکداری سنتی عمل کند. در بانکداری اسلامی آنجایی مشکل ایجاد می‌شود که ریسک را یک نفر دیگر برعهده می‌گیرد. در مدل بانکداری سنتی ریسک فقط برعهده بانک است. حال آنکه در مدل بانکداری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی و به‌خصوص وام‌دهی فردبه‌فرد، این ریسک کاملاً به سمت وام‌دهنده و وام‌گیرنده منتقل می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، این مدل از بانکداری ابزاری برای کمک کردن به مفهومی است که در بانکداری اسلامی دنبال می‌شود. بانکداری شبکه‌های اجتماعی، رویکردی نوظهور در بانکداری خرد است که فرایندهای قرض‌دهی و روابط بین قرض‌دهندگان و مؤسسات مالی را شفاف می‌سازد. بحث شفافیت این است که آن قرض‌دهی و وامی که قرار بود در یک بانک اتفاق بیفتد، با کمک ابزارهایی مانند وام‌های نفر به نفر یا طرحی که همه برای یک موضوع و به قصد خاصی پول جمع کنند، از طریق شبکه‌های اجتماعی می‌تواند گسترش یابد. شاید در گذشته بانکداری اجتماعی بیشتر به نقش بانک‌ها در

و از ویژگی‌های آن مسئولیت‌پذیری و شفافیت در سرمایه‌گذاری است.

توسعه اجتماعی دقت می‌کرد مانند اینکه بانک‌ها در مردم‌داری کوشا باشند یا بانکداری سبز را پیش ببرند اما حالا با ورود فناوری و گسترش آن، چنین مفهومی تا حدودی تغییر کرده و بانکداری از طریق شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته است. مؤسسه گارتنر، بانکداری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی را به سه دسته تقسیم کرده است. طبق این تقسیم‌بندی، بانک‌ها می‌توانند از شبکه‌های اجتماعی برای اطلاع‌رسانی‌شان بهره ببرند و محصولات خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی به نقد و بررسی بگذارند تا استفاده‌کنندگان از این خدمات یا خوانندگان آنها برای آن سرویس و خدمات کامنت یا نظرشان را بگذارند یا لایکس کنند. از طرف دیگر بحث گردش مالی در شبکه‌های اجتماعی را مطرح می‌کند. بسیاری از شبکه‌های اجتماعی می‌توانند حکم کیف پول را داشته باشند؛ یعنی از طریق شبکه اجتماعی می‌توانید خریدی انجام دهید و آن کالای خریداری شده را برای دوستانتان بفرستید. درعین حال، گردش مالی هم می‌تواند در شبکه اجتماعی اتفاق بیفتد یا ترکیبی از اینها؛ یعنی هم وام‌دهی، هم گردش پول و هم گردش اطلاعات که افراد لایک کنند و کامنت بگذارند؛ بنابراین بانک‌ها نیز به‌عنوان نمونه‌ای از یک نهاد اجتماعی که از کارکنان، مشتریان و جامعه تشکیل شده باید بتوانند از فرصت‌های گریزناپذیر این عرصه عمومی بهره‌برداری نمایند و کسب‌وکار خود را ارتقاء داده و با ارتقای کسب‌وکار، مسئولیت اجتماعی خود را نیز گسترش داده تا بدین طریق بتوان با حفظ شأن و منزلت بانک و پایداری در بازار، بانک‌ها را از ارتکاب جرایم بانکی بر حذر داشته تا بتوانند به حیات اقتصادی خود ادامه دهند.

۳- استانداردهای ارزش‌های مسئولیت اجتماعی شرکت (بانک)

شرکت با ابعاد ملی و بین‌المللی که می‌خواهد در بطن خود اصول ارادی راهبری را پیاده و اجرا کند، باید برخی اصول و منابع بین‌المللی را عنوان مرجع مدنظر قرار دهد. توجه به این اصول و منابع، باعث می‌شود که هنجارهای اجتماعی در چهارچوب شرکت‌ها، استاندارد و جهانی شود. امروزه در واقع روش‌های نوین ارزیابی و راهبری شرکت‌ها در راستای استانداردهای جهانی، نتیجه فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌هاست. استانداردهای ارزش‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، دنباله‌روی وحدت ارزش‌ها در دنیای تجاری و مالی است. این استانداردهای ارزش‌های خاص امکان‌پذیر است. در این زمینه می‌توان فهرستی از سازمان‌های ملی و بین‌المللی را نام برد که هدف آنها استاندارد کردن ارزش‌های اجتماعی

شرکت است. مهم‌ترین و معتبرترین این سازمان‌ها عبارتند از طرح گزارش جهانی^{۵۱}، ایزو^{۵۲}، مؤسسه معیارهای حاکمیتی^{۵۳}، پیمان جهانی سازمان ملل^{۵۴} و طرح شفافیت در منابع استخراجی^{۵۵}. مسئولیت اجتماعی غیرکیفری شرکت از طریق این سازمان‌های مهم قابل طرح‌اند.^{۵۶} در زیر به بررسی برخی از این سازمان‌های استانداردساز در زمینه مسئولیت اجتماعی می‌پردازیم:

۳-۱- ایزو ۲۶۰۰۰ و ارزش‌های مسئولیت اجتماعی شرکت

استاندارد مسئولیت اجتماعی^{۵۷} سازمان‌ها، یکی از آخرین استانداردهای مدیریتی است که توسط سازمان بین‌المللی استاندارد، تحت عنوان تأییدیه ایزو ۲۶۰۰۰ تدوین و منتشر گردیده است که حاصل جلسات و گردآوری نظرات و مشورت با ذی‌نفعان گوناگون در ده سال و مشارکت بیش از نود کشور جهان است. به همین منظور مرکز ترویج حاکمیت و مسئولیت شرکتی با همکاری رئیس کمیته تدوین استاندارد ایزو ۲۶۰۰۰ و مؤسسه ملی استاندارد اتریش بر اساس الزامات استاندارد در هفت موضوع کلیدی، شامل حاکمیت شرکتی، حقوق کارکنان، حقوق شهروندی، کسب‌وکار منصفانه، حقوق مصرف‌کنندگان و توسعه جامعه، مطابق با رویه دبیرخانه استاندارد ایزو ۲۶۰۰۰ و نسخه استاندارد مسئولیت‌پذیری شرکتی اتریش، تأییدیه این استاندارد را صادر می‌نماید که نتایج این تأییدیه به صورت رسمی در مؤسسه استاندارد اتریش^{۵۸} ثبت می‌گردد و قابل‌ردیابی می‌باشد. یک بسته نرم‌افزاری ویژه با طراحی خاص و کاربری آسان تهیه شده است تا به مدیریت مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها در هر شکل و اندازه‌ای که باشند، کمک کند. «بسته نرم‌افزاری کامل CSR» به کسب‌وکارها کمک می‌کند تا اقدامات و فعالیت‌های خود در راستای مسئولیت اجتماعی شرکتی را به شکل حرفه‌ای درآورده و در وقت و هزینه صرفه‌جویی کنند. نسخه ۲ و بهبودیافته این بسته نرم‌افزاری در سپتامبر سال ۲۰۱۳ منتشر شده که بر استانداردهای بین‌المللی نظیر ایزو ۲۶۰۰۰ مبتنی بوده و از مصورسازی و ساختاردهی مسئولیت اجتماعی از اجرا تا گزارش‌دهی پشتیبانی می‌کند. این

51. Global Reporting Initiative (GRI): www.Globalreporting.org.

52. ISO: International Organization for Standardization

53. Governance Metrics Institute, www.gmiratings.com.

54. UN Global Compact, www.unglobalcompact.org/COP/Guidance-Material/publications.

55. EITI: Extractive Industries Transparency Initiative

۵۶. جعفری، حقوق کیفری کسب‌وکار، ۵۷.

57. Social Responsibility Standard

58. Austrian Standard Institute

نرم‌افزار منحصر به فرد به کسب و کارها اجازه می‌دهد، مدیریت مسئولیت اجتماعی فعلی خود را ساختاریافته نمایند. ضمن آنکه گردآوری داده‌ها برای گزارش‌دهی را تسهیل بخشیده و از به‌کارگیری ایزو ۲۶۰۰۰ که استاندارد بین‌المللی برای مسئولیت اجتماعی سازمان‌هاست، پشتیبانی می‌کند.^{۵۹}

سازمان جهانی استانداردسازی، ایزو، به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد در حوزه استاندارد در جهان است. ایزو ۲۶۰۰۰ تجربه یک کارشناسی و تخصص بین‌المللی است که در حوزه مسئولیت اجتماعی وارد شده است؛ به این معنا که شرکت با چه مسائل و چالش‌هایی مواجه خواهد بود، چگونه آن مسائل را مدیریت خواهد کرد و آیا این مدیریت و هدایت در جهت مسئولیت اجتماعی و در راستای تأمین منافع اجتماع است یا تنها در جهت افزایش منافع مادی و بدون در نظر گرفتن دغدغه‌های اجتماعی؟^{۶۰} توجیه‌های ایزو ۲۶۰۰۰، شرکت‌ها را تشویق می‌کند که مسائل و مشکلات اجرایی مسئولیت اجتماعی را با دیگر سازمان‌های بین‌المللی مطرح نمایند و توضیح دهند که چه اقداماتی را در پرتو مسائل اجتماعی برای رفع آن انجام داده‌اند. ایزو ۲۶۰۰۰ تنها می‌تواند منبعی باشد برای یکسان‌سازی استانداردهای مسئولیت اجتماعی شرکت.

اجرای اصول ایزو در دو سطح داخلی و خارجی است. مرحله استفاده و اجرای داخلی^{۶۱}، همان پیاده‌سازی اصول پیش‌بینی‌شده مسئولیت اجتماعی در شرکت است. به این منظور، ایزو، ابزار کنترلی (ابزار مسئله)^{۶۲} را طراحی نموده است که از طریق آن می‌توان حوزه‌هایی را که در آن شرکت به‌طور مؤثر امکان پیشرفت مطلوب‌تری را برای جامعه داشته باشد، انتخاب و اولویت‌بندی می‌کند. اجرای خارجی ایزو ۲۶۰۰۰ به‌عنوان مرحله‌ای پس از اجرای داخلی برای تشویق دیگر سازمان‌ها در استفاده از توصیه‌های این استاندارد است. پس از این دو مرحله است که شرکت رسماً اعلام می‌کند از توصیه‌های ایزو ۲۶۰۰۰ در راستای مسئولیت اجتماعی شرکت تبعیت می‌کند.

۵۹. جمعی از نویسندگان، *مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها*، ۳۹.

60. "ISO 26000 Social Responsibility," International Organization for Standardization, Accessed 08/21/2019, www.iso.org/sr.

61. Correct Use Internally

62. Issue - Tool

۳-۲- اصول اکواتور^{۶۳} (EP)

یکی از اصول و معیارهایی که به توسعه روند بانکداری اجتماعی کمک می‌کند، اصول موازنه‌بخش^{۶۴} است. اصولی که برای مدیریت ریسک‌های اجتماعی و محیطی، از سوی ای.اف.سی^{۶۵}، مؤسسه مالی بین‌المللی وابسته به بانک جهانی وضع شده است. این اصول بر سرمایه‌گذاری و پیشرفت اجتماعی از طریق تقویت سرمایه زیستی، فرهنگی و انسانی تأکید می‌کند و حاوی معیارهایی برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها در انجام وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی است.^{۶۶}

درواقع، اصول اکواتور مجموعه هنجارهایی هستند که پذیرفته شده‌اند. این هنجارها برای تعیین، ارزیابی و مدیریت ریسک‌های اجتماعی در تأمین مالی پروژه می‌باشد. به عبارت دیگر در تأمین مالی تحت نظر اصول اکواتور، تنها قدرت بازپرداخت کافی نیست، بلکه انطباق با استانداردهای اجتماعی نیز لازم‌اند. از لحاظ تاریخی، اصول اکواتور توسط بانک‌های بخش خصوصی به رهبری سیتی‌گروپ^{۶۷}، آب ان امرو^{۶۸}، بارکلیز^{۶۹} و وست ال بی^{۷۰} توسعه یافت و در نهایت در ماه ژوئن سال ۲۰۰۳ اجرایی شد. این بانک‌ها تصمیم به الگوسازی اصول اکواتور بر پایه استانداردهای زیست‌محیطی بانک جهانی و سیاست‌های اجتماعی شرکت مالی بین‌المللی (IFC) گرفتند. در اکتبر ۲۰۰۹، ۶۹ مؤسسه مالی جهانی اصول اکواتور را پذیرفتند که در عمل، این اصول، به استاندارد بانک‌ها و سرمایه‌گذاران در مورد چگونگی ارزیابی طرح‌های بزرگ توسعه‌ای در جهان تبدیل شده‌اند. امروزه ۶۸ بانک بین‌المللی اصول اکواتور را پذیرفته‌اند. این اصول ده‌گانه عبارتند از:

اصل ۱: بررسی و طبقه‌بندی؛^{۷۱} اصل ۲: ارزیابی اجتماعی و زیست‌محیطی؛^{۷۲} اصل ۳: استانداردهای اجتماعی و زیست‌محیطی اجرایی؛^{۷۳} اصل ۴: برنامه عمل و نظام مدیریت؛^{۷۴}

63. The Equator Principles

64. Equator

65. IFC

۶۶. شریفان، پیشین، ۳۲.

67. Citigroup

68. ABN AMRO

69. Barclays

70. West LB

71. Review and Categorization

72. Social and Environmental Assessment

73. Applicable Social and Environmental Standards

74. Action Plan and Management System

اصل ۵: مشاوره و ارتباطات؛^{۷۵} اصل ۶: سازکار شکایت؛^{۷۶} اصل ۷: بررسی مستقل؛^{۷۷} اصل ۸: پیمان‌ها؛^{۷۸} اصل ۹: نظارت و گزارش‌های مستقل؛^{۷۹} اصل ۱۰: گزارش مؤسسات مالی اجراکننده اصول اکواتور.^{۸۰}

در راستای اصول اکواتور، به پروژه‌هایی که مطابق سیاست‌ها و روش‌های محافظت اجتماعی و زیست‌محیطی نباشد، تخصیص منابع تعلق نمی‌گیرد. در واقع اگر وام اعطایی بتواند به محیط‌زیست آسیب برساند، بانک‌ها از اعطای وام امتناع خواهند کرد. در اصول اکواتور، تأمین مالی پروژه، یک روش سنتی تأمین مالی است که در آن درخواست‌کننده وام، اصولاً باید تخمین درآمد حاصل از پروژه به‌علاوه مدارک مالی دیگر را به وام‌دهنده ارائه نماید تا بتواند از وام‌دهنده موافقت دریافت وام را اخذ کند. مضاف بر آن، آنچه که در اصول اکواتور به‌عنوان روش جدید تأمین مالی پروژه مطرح است، آن است که پروژه باید با قوانین اجتماعی و زیست‌محیطی مطابقت کامل داشته باشد. شرط دوم، در این‌گونه تأمین مالی نقش حیاتی دارد. مسئله‌ای که در تأمین مالی سنتی توسط بانک‌های سرمایه‌گذاری و مؤسسات مالی چشم‌پوشی می‌شود. در تأمین مالی سنتی و زمانی که تسهیلات اعطاء شد، پروژه می‌تواند در زمان اجرا با مسائل و مشکلات عدیده اجتماعی و زیست‌محیطی به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه روبه‌رو شود. در واقع اصول اکواتور برای پیشگیری از مخاطرات حقوق کیفری در زمینه مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی است. در هر صورت به‌دست آوردن تسهیلات در وهله اول نیاز به انطباق با قواعد اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت دارد و در غیر این صورت امکان رد تأمین مالی طرح وجود دارد. اصول اکواتور در تأمین مالی پروژه‌های جدید در سطح جهانی را شامل می‌شود. علاوه بر آن، در حالی که این اصول برای پروژه‌های جدید است و به طرح‌های گذشته عطف به ماسبق نمی‌شود؛ اما برای همه طرح‌های گذشته و جاری که در حال حاضر در حال گسترش و یا ارتقاء است و در زمانی که ارتقاء و تغییرات در مقیاس و دامنه طرح می‌تواند اثرات قابل توجهی بر محیط‌زیست یا جامعه بگذارد نیز اعمال می‌شود. این‌گونه تأمین مالی می‌تواند به‌طور ملموس ماهیت یا درجه تأثیر طرح را در جهت حفظ اصول اجتماعی و زیست‌محیطی تحت تأثیر قرار دهد. رعایت ارزش‌های اجتماعی به‌تنهایی، حاصل

75. Consultation and Disclosure

76. Grievance Mechanism

77. Independent Review

78. Covenants

79. Independent Monitoring and Reporting

80. EPFI (Equator, Principles Financial Institutions) Reporting

فعالیت و پیشگیری‌های مؤسسات مالی نیست، بلکه اقدام‌های مشتریان آنها نیز باید توسط مؤسسات مالی مورد ارزیابی قرار گیرد. در این خصوص، تعهد به رعایت ارزش‌های اجتماعی مؤسسات مالی هم به‌طور مستقیم و هم غیرمستقیم است. یکی از مثال‌های برجسته در این زمینه، بانک «آب ان امرو» و انتشار گاز CO₂ است. برخی از سازمان‌های غیردولتی می‌گویند که «آب ان امرو» به‌عنوان بانکی که اصول اکوتور را پذیرفته است، با آب‌وهوای هلند خصمانه برخورد می‌کند. دلیل این سخن آن است که با یک برآورد، تولید غیرمستقیم گازهای گلخانه‌ای CO₂ توسط بانک، سالانه تقریباً ۲۵۰ میلیون تن بوده است. سازمان‌های غیردولتی آن را تولید غیرمستقیم می‌دانند زیرا معتقدند بانک با ارائه خدمات مالی به صنعت آلوده‌کننده هوا، غیرمستقیم مسئول آن است. این درحالی است که «آب ان امرو» دفاع می‌کند که این اقدامات مستقیماً توسط بانک صورت نگرفته، امری که دیگران را هنوز قانع نکرده است زیرا برای آنان آلودگی به‌طور مستقیم توسط بانک یا غیرمستقیم توسط مشتریان آن، یکی است و باعث تغییرات آب‌وهوایی می‌شوند^{۸۱}؛ بنابراین بانک‌ها لازم است اصول اکوتور را رعایت کرده و از اعطای تسهیلات به صنعتی که مغایر با آب‌وهوا و محیط‌زیست باشد، خودداری نموده و در واقع ضوابط مربوطه را در اعطای تسهیلات و تخصیص منابع مدنظر قرار دهند و در جریان عملیات بانکی، قبل از مصرف منابع بانک و تخصیص اعتبار یا اعطای تسهیلات، از اجرای اصول اکوتور اطمینان حاصل نموده و سپس نسبت به پرداخت تسهیلات اقدام نمایند تا منابع مالی بانک از این طریق در جای مناسب خود مصرف گردیده و به اقتصاد و محیط‌زیست کشور آسیب نرساند.

۳-۳- پیمان جهانی سازمان ملل (GC)

در بحث اصول مسئولیت اجتماعی، پیمان جهانی سازمان ملل متحد، یک چهارچوب کاری برای تجارت و کسب‌وکار محسوب می‌شود که برای هماهنگ و همسو کردن عملیات کاری و استراتژی‌ها، متعهد به ده اصل پذیرفته‌شده جهانی در سطح حقوق بشر، محیط، مبارزه با فساد و جرایم و نیروی کار شده است. این پیمان اولین و بهترین ارتباط برای ایجاد مسئولیت اجتماعی و قانونی سازمان‌ها در تجارت و بازار است. این اصول در کلیه سازمان‌ها مشارکت می‌کند و شش نماینده سازمان ملل متحد در این گروه کاری مشارکت دارند که عبارتند از

81. "Equator-Principles," Wikipedia, Accessed 08/25/2019, <http://en.wikipedia.org/wiki/Equator-principles>.

سازمان بین‌المللی کار^{۸۲}، کمیسیون ارشد حقوق بشر سازمان ملل متحد^{۸۳}، برنامه‌های محیطی سازمان ملل متحد^{۸۴}، اداره مبارزه با مفاسد و جرایم سازمان ملل متحد^{۸۵}، برنامه توسعه سازمان ملل متحد^{۸۶} و سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد^{۸۷} اصول ده‌گانه GC شامل موارد زیر است:

- ۱- سازمان‌ها باید حقوق بشر اعلام‌شده از سوی مراجع بین‌المللی را رعایت کرده و مورد حمایت قرار دهند؛
- ۲- ایجاد اطمینان از اینکه سازمان‌ها در سوءاستفاده از حقوق بشر مشارکت و همدستی ندارند؛
- ۳- سازمان‌ها باید آزادی انجمن و شناسایی مؤثر نسبت به حقوق مذاکره گروهی را ارتقاء دهند؛
- ۴- کاهش و حذف همه گونه کارهای اجباری و قهری؛
- ۵- لغو مؤثر کار کودک؛
- ۶- حذف تبعیض در رابطه با استخدام و شغل؛
- ۷- تجارت باید به‌عنوان یک رویکرد پیشگیرانه از چالش‌های محیطی حمایت کند؛
- ۸- تعهد و انجام ابتکارات جهت تقویت و ارتقای مسئولیت اجتماعی محیطی؛
- ۹- تقویت فناوری سازگار با محیط جهت توسعه و انتشار؛
- ۱۰- سازمان‌ها باید در برابر همه اشکال فساد مبارزه نمایند.

پیمان جهانی سازمان ملل نشان‌دهنده اراده جهانی برای استاندارد کردن و یکسان‌سازی اخلاق تجاری به‌طور عام و ارزش‌های مسئولیت اجتماعی شرکت، به‌طور خاص است. عضویت شرکت یا بانک به پیمان جهانی می‌تواند در کد اخلاقی شرکت نشان داده شود که بیانگر اراده یک‌طرفه بانک به همگام شدن با ارزش‌های نوین بازرگانی است.^{۸۸} سازمان ملل ارزش‌های مسئولیت اجتماعی شرکت را شناسایی کرده و در ده اصل، آنها را ارائه می‌کند. این

82. International Labour Organization (ILO)

83. Office of the UN High Commissioner for Human Rights (OHCHR)

84. United Nations Environment Programme (UNEP)

85. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC)

86. United Nations Development Programme (UNDP)

87. United Nations Industrial Development Organization (UNIDO)

۸۸. در همین راستا شرکت فرانسوی توتال که از سال ۲۰۰۲ عضو پیمان سازمان ملل است، مثال‌زدنی است. این شرکت عضو کمیته مدیریت «دوستان پیمان جهانی سازمان ملل در فرانسه» است که این انجمن نماینده فرانسوی پیمان جهانی در سطح ملی است.

اصول حول محورهایی نظیر حقوق بشر، هنجارهای مربوط به کار، محیط‌زیست و حمایت حقوقی علیه فساد گردآوری شده است. به عبارت دیگر این اصول، تصویری از قواعد یکپارچه شده مسئولیت اجتماعی شرکت در سطح جهانی است. ضمناً ذکر این نکته لازم است که عضویت در پیمان، ارادی است و بنابراین شرکت می‌تواند به راحتی از اجرای آن شانه خالی کند، اما این امر وجهه شرکت را مخدوش می‌کند و لذا شرکتی که به روش‌های مختلف مانند تارنما، سخنرانی‌ها و ... بیان می‌کند که عضو پیمان سازمان ملل است، ولو اینکه بخواهد اصول آن را زیر پا گذارد، به گونه‌ای سعی در توجیه آن دارد؛ بنابراین اجرای برخی از اصول ده‌گانه فوق، از جمله ارتقای مسئولیت اجتماعی و مبارزه با فساد در سطح بانک‌ها، می‌تواند مفید و مؤثر واقع گردد.

نتیجه

امروزه بانک، نوعی خاص از سازمان اقتصادی بسیار مهم و حساس تلقی می‌گردد که فقدان نظامات نظارتی مؤثر می‌تواند بستر سوءاستفاده و جرایم گسترده‌ای را فراهم آورد که عواقب اقتصادی و اجتماعی زیادی در سطح جامعه به بار آورد و نه تنها کل نظام بانکی و اقتصادی یک کشور، بلکه کل جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین اجرای مسئولیت اجتماعی بانک‌ها می‌تواند در این راستا از جوانب منفی برخی جرایمی که توسط بانک‌ها از جمله اشتغال به عملیات بانکداری بدون رعایت مقررات قانونی، استفاده غیرمجاز از عنوان بانک توسط مؤسسات اعتباری غیربانکی، مداومت در اشتغال غیرمجاز به عملیات بانکی و ادامه تصدّی مدیران متخلّف در حوزه پولی و بانکی پس از سلب صلاحیت حرفه‌ای و انفصال از مسئولیت مربوطه توسط بانک مرکزی، ارتکاب می‌یابد، بکاهد، چراکه این جرایم در تضاد با مسئولیت و ارزش‌های اجتماعی قرار داشته و لذا ارتقای مسئولیت اجتماعی، موجب می‌گردد بانک‌ها از توسّل به جرایم مذکور به دلیل حفظ جایگاه کسب‌وکار و شأن نام تجاری خود خودداری نمایند. هرچند که اجرای مسئولیت اجتماعی می‌تواند اختیاری باشد، در دنیای نوین کسب‌وکار، در همه جا عمل به آن به طور هماهنگ و یکسان صورت می‌گیرد و برای اجرای آن نیاز به توافق جمعی است. مسئولیت اجتماعی شرکت اساساً بر اصول اخلاقی پایه‌گذاری شده که به آن اخلاق تجاری می‌گوییم که عبارت است از مجموعه قواعد فراتر از روابط تجاری یا بایدها و نبایدهایی با نگرش انسانی. در حقوق بانکی، تکنیک اخلاق در منشورهای حرفه‌ای بانک‌ها که امروزه بیش‌ازپیش در بانک‌ها خودنمایی می‌کند، وجود دارد. قواعد پیش‌بینی شده در منشور اخلاقی همان اصول اعتماد، حُسن نیت، صداقت و ... است که حُسن

اجرای آن مانع از اعمال مقررات سخت حقوقی یا همان قوانین کیفری می‌گردد. این قبیل اقدامات و این چنین منشورهایی هرچند حقوقی صرف نیست اما جنبه پیشگیرانه حقوقی دارد. دلیل ورود این منشورها در روابط کسب و کار و به تبع آن بانک، خاطرنشان کردن این مسئله به کارکنان بانک است که چه اصولی باید رعایت گردد و چه ضمانت‌اجراهایی دارد. پس به این صورت، اخلاق همچون تکنیکی وارد دنیای کسب و کار می‌شود. به عبارت دیگر سازگار خودانظامی از رهگذر کدهای رفتاری برای پیشگیری از تخلفات در بانک‌ها عملی می‌شود و ضمانت‌اجرای آن فراتر از ضمانت‌اجرای صرف انضباطی است. از این رو از اخلاق در روابط تجاری به پلیس روابط تجاری تعبیر شده است. پلیسی که هرچند ناظم روابط است اما قدرت زیادی ندارد. بر این اساس، نیاز به سازگار قوی‌تری وجود دارد که در مرحله بعد تکنیک تنظیم است و از آن به مسئولیت اجتماعی بانک یاد می‌شود.

در نهایت اینکه مفاهیم مدرن حقوق کیفری کسب و کار، در تکمیل اصول و مفاهیم سنتی، انکارکننده اصل حضور حقوق کیفری نیستند، بلکه به آن جهت می‌دهند و حضوری سودمند و هدفمند را مطالبه می‌کنند؛ بنابراین مسئولیت اجتماعی یک راهبرد توسعه‌ای است که با اجرای صحیح آن می‌توان به نفع شرکت و جامعه اقدام نمود. در این راستا، ایزو ۲۶۰۰۰ تجربه یک کارشناسی بین‌المللی است که در حوزه مسئولیت اجتماعی وارد شده است. به این منظور، ایزو ابزار کنترلی را طراحی نموده است که از طریق آن می‌توان حوزه‌هایی که در آن شرکت به‌طور مؤثر امکان پیشرفت مطلوب‌تری را برای جامعه داشته باشد، انتخاب و اولویت‌بندی کرد. در اصل کوتاه‌تر نیز اصولی وجود دارد که زیرمجموعه استانداردسازی ارزش‌های مسئولیت اجتماعی محسوب می‌گردند که از جمله آنها می‌توان به برنامه عمل و نظام مدیریت، بررسی مستقل، نظارت و گزارش‌های مستقل و گزارش مؤسسات مالی اجراکننده اصول اکواتور اشاره کرد.

پس می‌توان گفت که نظام پیشگیری حاصل از مسئولیت اجتماعی شرکت، سازگار خودتنظیمی است که از مهم‌ترین تکنیک‌های غیرکیفری است. در نظام حقوق بانکی، نمود مسئولیت اجتماعی شرکت به این صورت است که با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، اطلاعات کافی و آموزش‌های لازم به کارمندان، مدیران (ارشد و میانی) راجع به مسائلی که می‌توانند شرکت را از لحاظ حقوقی و مدیریتی درگیر کند آموزش داده شده و ضمانت‌اجرای آن نیز گوشزد می‌شود. لذا به فرد آموزش‌های لازم و ضمانت‌اجراهای تخطی از قوانین و مقررات آموخته خواهد شد. درواقع مسئولیت اجتماعی شرکت، سازگار پیشگیری است و می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و در صورت اجرای صحیح و دقیق موارد مربوط به مسئولیت اجتماعی، می‌توان از جرایم بانکی جلوگیری نموده و زمینه پیشگیری از این جرایم فراهم گردد.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- آذری متین، افشین. *دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*. چاپ اول. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶.
- الوانی، مهدی، و احمدرضا قاسمی. مدیریت و مسئولیت‌های اجتماعی سازمان. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی ریاست جمهوری، ۱۳۷۷.
- امیدبانی، سید حسین. «نقش سنت حسنه وقف در توسعه علم و جایگاه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها». *پژوهشنامه مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام* ۲۱ (۱۳۸۷): ۱۴۲-۱۲۶.
- امیرقاسم‌خانی، سمیه. «مسئولیت اجتماعی شرکت و نقش آن در کسب مزیت رقابتی». *مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه* ۱ (۲) (۱۳۹۵): ۶۱-۴۵.
- براتلو، فاطمه. «مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها». *مجله راهبرد* ۴۴ (۱۳۸۶): ۸۱-۷۴.
- جعفری، امین. حقوق کیفری کسب‌وکار. چاپ اول. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
- جعفری، امین. *علوم جنایی تطبیقی*. چاپ اول. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵.
- جمعی از نویسندگان. *مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها*. تهران: انتشارات مرکز ترویج مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، ۱۳۹۳.
- حساس یگانه، یحیی، و قدرت‌اله برزگر. «مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و پارادایم تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری». *فصلنامه حسابداری مدیریت* ۷ (۲۵) (۱۳۹۳): ۳۳-۲۰.
- رحمدل، منصور. «جرایم بانکی». *مجله حقوق بانکی* ۱ (۱۳۹۲): ۴۳-۳۰.
- زراعت، عباس. *حقوق کیفری اقتصادی*. چاپ اول. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۵.
- سمیعی، حسین. «سیاست کیفری ایران در قلمرو جرایم بانکی». رساله دکترا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۵.
- شریفان، محمدسعید. *بانکداری مدرن*. چاپ اول. اصفهان: انتشارات آینده نگار شریف، ۱۳۹۴.
- غلامی، حسین. *اصل حداقل بودن حقوق جزا*. چاپ اول. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی». *مجله تعالی حقوق* ۵ (۱۳۸۵): ۳۵-۲۰.
- نوری یوشانلویی، جعفر، و سعید جوهر. «مفهوم‌شناسی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های تجاری در حقوق آلمان، فرانسه، انگلستان و ایران با رویکرد تطبیقی». *مجله مطالعات حقوق تطبیقی* ۵ (۲) (۱۳۹۳): ۴۲-۲۸.

ب. منابع خارجی

- Delalieux.G. influence des ideologies dans le developpement. De la RSE, 2005, Accessed 08/12/2019. <http://ias2005.free.fr>.
- Drucker, P. la pratique de la direction des entreprises, the practice of management, Traduit de l'americaain par le bureau des temps elementaires, les editions d organisation, Paris, 1957.
- Frederick, William C. "From CSR1 to CSR2-The Maturing of Business- and- Society Thought." *Business and Society* 33(2) (1994): 60-79.
- Geary, Roger. *Essential Criminal Law*. Second Edition. London: Canvendish, Publishing Limited, 1998.
- Global Reporting Initiative. www.Globalreporting.org.
- Gond, Jean-Pascal, Mullenbach- servayre Astrid. "les fondements theoriques de la responsabilite societale de l'entreprise." *la Revue des sciences de Gestion* 205 (2004): 46-62.
- Governance Metrics Institute. www.gmiratings.com.
- GRI. www.globalreporting.org.
- International Organization for Standardization. "ISO 26000 Social Responsibility." Accessed 08/15/2019. www.iso.org/sr.
- Irbanker. www.irbanker.com.
- Joras, M., J. Igalens. *La Responsabilite Sociale De L'entreprise, Comprendre, Rediger, Le Rapport Annuel*. Paris: Editions d Organization, September 2002.
- Mohamed Safwat, A. "Corporate Social Responsibility: Rewriting the Relationship between Business and Society." *International Journal of Social Sciences* (1) (2015): 108-124.
- Okoye, A. "Theorizing Corporate Social Responsibility as an Essentially Contested Concept: Is a Definition Necessary." *Journal of Business Hics* 12 (2009): 613-627. www.ideas.repec.
- Pasquero, J. *la responsabilite sociale de l'entreprise comme obj des sciences de gestion, collection Pratiques politiques sociales economiques*. Paris: Presses de universite du quebec, 2005, pp.80-112.
- Rose, J-J. "la france est venue tardivement a la RSE, mais elle va vite, Responsabilite sociale de l'entreprise." (2006), Accessec 05/12/2019. <http://www.journaldun.com>, 5/12/2006.
- Scheap, Cees. *Fighting Money Laundering*. First Published. London: Kluwer Law International, 1998.
- Turcotte, M.F. industrie financiere les fonds responsables, tutti frutti devenir, dans Tremblay D.-g. & Rolland D. (dir), Responsabilite sociale dentreprise finance responsable, 2004.
- United Nations Global Compact. www.unglobalcompact.org/cop/Guidance-Material/publications.
- Wikipedia. "Equator-Principles." Accessed 08/24/2019. <http://en.wikipedia.org/wiki/Equator-principles>.

حق برخورداری متهم از وکیل در رویه کمیته حقوق بشر ملل متحد

سید مصطفی موسوی میرکلانی*

دکتر باقر شاملو** - دکتر ایرج گلدوزیان***

چکیده:

امروزه حق برخورداری از وکیل برای متهمان در فرایند رسیدگی کیفری در غالب نظام‌های حقوقی به رسمیت شناخته می‌شود. نظام حقوق بین‌الملل نیز این حق را در کنار سایر حقوق بشر پیگیری می‌کند. توجه حقوق بین‌الملل به حق برخورداری از وکیل در دو سطح صورت گرفته است: نخست آنکه محاکم بین‌المللی همچون دیوان کیفری بین‌المللی این ضابطه را در قواعد و رویه خود مرعی دارند و دوم آنکه دولت‌ها در نظام‌های حقوقی ملی خود از اعطای این حق به متهمان قصور نورزند. حقوق بین‌الملل به منظور تضمین این معیارهای حداقلی، نهادها و ارکانی تأسیس نموده است. یکی از این نهادها کمیته حقوق بشر است که به موجب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) تشکیل شده است. مقاله حاضر به دنبال آن است که حق برخورداری از وکیل را در رویه کمیته حقوق بشر واکاوی نماید. برآمد این نوشتار آن است که کمیته در حوزه حق برخورداری از وکیل توسعه ایجاد نموده و از حق دفاع مندرج در میثاق به حق برخورداری از وکیل با بسیاری از ملزومات آن نائل می‌آید.

کلیدواژه‌ها:

حق برخورداری از وکیل، حقوق بشر، دادرسی عادلانه، رویه، کمیته حقوق بشر.

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۵، نیمسال اول ۱۳۹۹
صفحه ۱۴۹-۱۳۳، تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۸/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۹

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، گلستان،

Email: s_mostafa_mo@yahoo.com

ایران

** دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، نویسنده

Email: b_shamloo@sbu.ac.ir

مسئول

*** استاد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، گلستان، ایران

Email: miramts@yahoo.com

مقدمه

حق برخورداری از وکیل همان‌گونه که در نظام‌های ملی حقوق اساسی به‌مثابه حقی شهروندی به‌رسمیت شناخته شده و در نظام‌های ملی حقوق کیفری به‌عنوان جزء تفکیک‌ناپذیر سیاست عدالت کیفری تلقی شده است، در نظام حقوق بین‌الملل نیز با توسعه و تکامل حقوق بشری و بنیادین به یکی از الزامات و تعهدات دولت‌ها تبدیل شده است. این تحول در حقوق بین‌الملل نوین زاییده گذار این نظام حقوقی از دولت‌محوری به فردگرایی است. حق برخورداری از وکیل در عرصه حقوق بین‌الملل، متوجه دو قلمرو دادرسی‌های کیفری و دادرسی‌های مدنی است.

حق برخورداری از وکیل در حقوق بین‌الملل هم مشتمل بر شناسایی این حق در اسناد بین‌المللی است و هم متضمن تعبیه سازکارها و نهادهایی است که حتی‌المقدور رعایت این حق از جانب دولت‌ها را پیگیری و تضمین نماید. سازکارها و نهادهای مزبور به‌منزله بخشی از همکاری‌های بین‌المللی میان دولت‌ها به‌صورت نظام‌مند در سازمان‌های بین‌المللی متجلی می‌شوند. بالتبع در میان این سازمان‌ها، حق موردبحث در آن دسته از سازمان‌هایی مجال تدوین و توسعه یافته که در حوزه حقوق بشر به فعالیت می‌پردازند.

نهادهای بین‌المللی حقوق بشر را می‌توان بر سه دسته تقسیم نمود: نخست، نهادهای مبتنی بر منشور ملل متحد همچون شورای حقوق بشر و کمیساریای عالی حقوق بشر؛ دوم، نهادهای بین‌المللی غیردولتی مانند عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر؛ و سوم، نهادهای بین‌المللی مبتنی بر معاهدات بین‌المللی از جمله کمیته رفع تبعیض علیه زنان و کمیته رفع تبعیض نژادی. ویژگی گونه سوم نهادهای بین‌المللی حقوق بشر آن است که به‌موجب یکی از معاهدات بین‌المللی تأسیس شده و تکالیفی برعهده آنها نهاده می‌شود. به‌واقع رسالت این نهادها آن است که از طرفی بر ایفای تعهدات حقوق بشری مندرج در کنوانسیون مربوطه از سوی دولت‌های عضو نظارت کنند و از سوی دیگر در صورتی که دول عضو موافقت نمایند، به حل و فصل اختلافات احتمالی میان دولت‌ها با یکدیگر و یا اتباع با دولت مربوطه بپردازند. نهادهای موردبحث رسالت نخست را از طریق سازکار گزارش‌دهی و رسالت دوم را توسط رسیدگی‌های شبه‌قضایی انجام می‌دهند.

کمیته حقوق بشر یکی از نهادهای حقوق بشری گونه سوم است که به‌موجب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ تشکیل شده و وظایف و اختیاراتی برعهده آن نهاده شده است. از جمله حقوقی که در این میثاق موردتوجه قرار گرفته، حق برخورداری از

وکیل در فرایند رسیدگی کیفری است. در نتیجه دامنه نظارت بر ایفای تعهدات دولت‌ها از جانب کمیته حقوق بشر در مواردی به قلمرو حق برخورداری از وکیل نیز کشیده می‌شود. آورده‌های این سازمان بین‌المللی در حوزه حق برخورداری از وکیل نیز یا در نتیجه آیین گزارش‌دهی است که پس از بررسی گزارش‌های دولت‌ها نظریاتی صادر می‌کند و یا حاصل آیین رسیدگی به اختلافات است که حسب مورد تصمیماتی اتخاذ می‌نماید.

مقاله حاضر درصدد آن است که حق برخورداری از وکیل را در رویه کمیته حقوق بشر مورد بررسی قرار دهد. مراد از رویه در این مقاله هم ارزیابی نظریات عمومی کمیته در خصوص موضوع است و هم واکاوی تصمیمات و دیدگاه‌های این نهاد بین‌المللی در مقام حل و فصل اختلافات. سؤال اصلی در مقاله پیش‌رو آن است که حق برخورداری از وکیل در رویه کمیته حقوق بشر چگونه منعکس شده است؟ پرداختن به موضوع حاضر از آن حیث حائز اهمیت است که دولت ایران نیز میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را تصویب نموده و در حکم قوانین لازم‌الاجرای داخلی است؛ لذا به سازکار گزارش‌دهی به کمیته متعهد است؛ اگرچه به سبب عدم تصویب پروتکل الحاقی به این میثاق، در قبال سازکار حل و فصل اختلاف این نهاد بین‌المللی متعهد نیست. به این ترتیب آشنایی با آورده‌های کمیته حقوق بشر در حوزه حق برخورداری از وکیل از یک سو به منظور شناخت بیشتر تعهدات ایران در این خصوص حائز اهمیت است و از دیگر سو برای احراز موضع و رویه یکی از نهادهای حقوق بین‌الملل ضرورت دارد.

۱- نظام بین‌المللی حقوق بشر و حق برخورداری از وکیل

با گذار نظام حقوق بین‌الملل از دولت‌محوری به فردگرایی، حقوق بشر بین‌المللی در حوزه‌های مختلف به تعهدزایی برای دولت‌ها و تحدید حاکمیت آنها پرداخت. حق برخورداری از وکیل برای متهمان به مثابه حقی مدنی، یکی از حقوقی است که از پیکان حقوق بشر بین‌المللی به دور نمانده است. به منظور ارزیابی این حق بشری در رویه کمیته حقوق بشر به عنوان یکی از نهادهای حقوق بشر بین‌المللی ابتدا مرور اسناد حقوق بشری بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در خصوص گستره حق مورد بحث و سپس معرفی کمیته حقوق بشر و جایگاه آن در سلسله مراتب حقوق بین‌الملل ضرورت دارد.

۱-۱- حق برخورداری از وکیل در اسناد و نهادهای بین‌المللی

معاهدات بین‌المللی چندجانبه با هدف حمایت از صلح و حقوق بشر از طریق تعهدات و حقوق

جامعه بین‌المللی، سازکارهای پیچیده‌ای را برای تضمین رعایت مقررات ماهوی خود ایجاد می‌کنند و از آن گذشته واکنش‌های نهادینه‌شده‌ای را نسبت به نقض آن مقررات پیش‌بینی می‌کنند.^۱

حقوق بین‌الملل معاهداتی در قلمرو حق برخورداری از وکیل بر دو حق همگون تأکید می‌نماید: حق حمایت برابر در مقابل قانون^۲ و حق محاکمه عادلانه.^۳ کمیته حقوق بشر ملل متحد نیز به‌مثابه نهادی برخاسته از معاهده، به‌طور مکرر اهمیت تضمین دو حق حمایت برابر و محاکمه عادلانه را به‌عنوان حقوقی موضوعه به‌رسمیت شناخته است. در سطح منطقه‌ای از جمله در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، حق برخورداری از وکیل با جزئیات بیشتری مطرح شده و در کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۱۹۵۰) مورد تأکید قرار می‌گیرد. تجزیه و تحلیل دیوان اروپایی حقوق بشر تا آنجا پیش می‌رود که حق برخورداری از وکیل فراتر از دعوای کیفری بوده و لازم است در دعوای مدنی نیز به‌مثابه حقی بشری مورد مداخله قرار گیرد.^۴ همچنین دیوان اروپایی در سال ۱۹۷۹ در دعوای *ایری علیه ایرلند* مقرر داشت که حق محاکمه عادلانه می‌تواند مستلزم آن باشد که دولت، معاضدت حقوقی رایگان را برای کسانی که قادر به اخذ وکیل نیستند، فراهم کند. حق برخورداری از وکیل در سطح منطقه‌ای علاوه بر قاره اروپا در قاره آمریکا نیز به‌رسمیت شناخته شده است؛ چنان‌که کمیسیون آمریکایی حقوق بشر نیز اشاره می‌کند که دولت‌ها ملزم‌اند خدمات حقوقی رایگان به کسانی که در معرض نقض حق محاکمه عادلانه هستند، ارائه کنند.^۵

با وجود این، اتفاق‌نظری که در سطح منطقه‌ای و آن هم در جغرافیای اروپا و آمریکا قابل حصول است، در سطح جهانی به سهولت میسر نیست. از این‌رو حق برخورداری از وکیل در اسناد و نهادهای حقوق بشری جهانی توسعه کمتری یافته است؛ تا آنجا که در اسناد جهانی این حق غالباً مستفاد از حق دفاع و یا حق محاکمه عادلانه است و به‌ندرت با عنوان مستقل مورد تصریح قرار می‌گیرد.

۱. سید قاسم زمانی و هاله حسینی اکبرنژاد، «جامعه بین‌المللی و عدالت کیفری جهانی»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی* (۳) ۴۵ (۱۳۹۴)، ۳۱۸.

2. Right to Equal Protection of the Law

3. Fair Trial

4. Sarah Paoletti, "Deriving Support from International Law for the Right to Counsel in Civil Cases," *Temple Political and Civil Rights Law Review* 15(3) (2006): 651-662.

5. Columbia Law School Human Rights Institute, "Equal Access to Justice: Ensuring Meaningful Access to Counsel in Civil Cases, Including Immigration Proceedings," (Response to the Seventh to Ninth Periodic Reports of the United States to the Committee on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, 2014), 10-11.

اسناد جهانی ناظر به حق برخورداری از وکیل اگرچه بعضاً اسنادی الزام‌آور هستند، اما در مواردی نیز ماهیتی اعلامی دارند. به‌عنوان نمونه کارگروه ملل متحد برای حمایت از حقوق بشر در مواجهه با تروریسم^۶ در سال ۲۰۱۴ اصول راهبردی دوازده‌گانه‌ای را درخصوص محاکمه عادلانه برمی‌شمرد که هشتمین اصل آن به حق برخورداری از وکیل اختصاص دارد. مطابق این اصل «تمامی اشخاص حق دارند که وکیلی صالح و مستقل بنا به انتخاب خود، نمایندگی ایشان را برعهده گیرد یا خود دفاع را برعهده داشته باشند. حق نمایندگی از جانب وکیل در تمام مراحل رسیدگی کیفری از جمله مرحله پیش از محاکمه اعمال می‌شود. هرگونه ایجاد محدودیت در مورد حق برقراری ارتباط با وکیل باید بنا به مقاصد مشروع و برای مدت موقت بوده و هرگز جریان حق استماع را تحت تأثیر قرار ندهد.»^۷

هشتمین کنگره ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم و مجازات مجرمان که از ۲۷ اوت تا ۷ سپتامبر ۱۹۹۰ در شهر هاوانای کوبا برگزار گردید، نمونه دیگری است که منجر به تصویب اعلامیه‌ای با عنوان «اصول اساسی درخصوص نقش وکلا» شد. بند ۱ این اعلامیه مقرر می‌دارد: «همه اشخاص حق دارند که از مساعدت یک وکیل انتخابی جهت حمایت و احقاق حقوق و دفاع از خود در کلیه مراحل رسیدگی‌های کیفری بهره‌مند شوند.»^۸ به‌موجب بند ۱۹ این اعلامیه: «هیچ دادگاه یا مقام اداری که حق برخورداری از وکیل را پذیرفته، نمی‌تواند از به‌رسمیت شناختن حق یک وکیل مبنی بر حضور در آن مرجع از جانب موکل خود امتناع نماید، مگر آنکه وکیل مزبور به‌موجب حقوق داخلی و مطابق این اصول فاقد شرایط لازم باشد.»^۹ همچنین وفق بند ۲۵ این سند: «اتحادیه حرفه‌ای وکلا باید با دولت‌ها جهت تضمین این امر همکاری نماید که هرکس حق دسترسی مؤثر به خدمات حقوقی را دارد و وکلا می‌توانند مطابق حقوق و اخلاق و معیارهای حرفه‌ای به‌رسمیت شناخته‌شده، بدون مداخله ناروا به موکلان خود مشاوره و معاضدت ارائه نمایند.»^{۱۰}

به این ترتیب اسناد و نهادهای بین‌المللی مربوط اعم از جهانی و منطقه‌ای هر یک به سهم خود حق برخورداری از وکیل را مورد مداخله قرار داده‌اند. در میان اسناد بین‌المللی جهانی

6. UNCTIF

7. UNCTIF, "Basic Human Rights Reference Guide: Right to a Fair Trial and Due Process in the Context of Countering Terrorism," (Office of the High Commissioner of Human Rights, New York, 2014), 1-2.

8. UNCPCTO, "Basic Principles on the Role of Lawyers," (Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Havana, Cuba, 1990), Para. 1

9. Ibid, Para. 19.

10. Ibid, Para. 25.

مشعر به این حق که از مرزهای اعلامیه فراتر رفته و وجهه الزام‌آوری داشته باشد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چراکه علاوه بر ایجاد تعهد، راهکارهایی برای تضمین نیز در نظر گرفته است.

۱-۲- حق برخورداری از وکیل در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ از جانب مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید و در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شد. پروتکل الحاقی اول به میثاق نیز در همین دو تاریخ تصویب و لازم‌الاجرا شد. ولی پروتکل الحاقی دوم به میثاق که درصدد الغای مجازات اعدام است، در ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ تصویب و در ۱۱ جولای ۱۹۹۱ لازم‌الاجرا شد.

حق دسترسی متهم به وکیل در مراحل اولیه بازداشت و پس از آن به‌منزله یکی از مصادیق عمده حق بر دادرسی عادلانه صراحتاً در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی درج نشده است.^{۱۱} مواد ۱۴ و ۱۵ میثاق به محاکمه عادلانه اشاره می‌کند. ماده ۱۴ مرکب از تضمینات متعدد است. جمله نخست پاراگراف ۱ این ماده حاوی تضمینی کلی است: برابری نزد دادگاه‌ها صرف‌نظر از ماهیت دادرسی‌ها. جمله دوم این پاراگراف به افراد حق می‌دهد که چنانچه با اتهامی کیفری یا دعوایی حقوقی مواجه شوند، از محاکمه‌ای عادلانه و علنی نزد محاکمی صالح، مستقل و بی‌طرف که به‌موجب قانون تشکیل شده باشند، بهره‌مند شوند. پاراگراف‌های ۲ الی ۵ این ماده شامل تضمینات دادرسی برای اشخاص متهم می‌شود. پاراگراف ۶ حقی ماهوی مبنی بر جبران خسارت در موارد عدم اجرای عدالت در دعوای کیفری را تضمین می‌کند. پاراگراف ۷ متضمن منع محاکمه یا مجازات مجدد در مورد یک جرم است. ماده ۱۵ ساختاری ساده‌تر دارد و صرفاً به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها اشاره دارد. در میان این دو ماده از میثاق پاراگراف ۳ ماده ۱۴ با وضوح بیشتری ناظر به حق برخورداری از وکیل است.

بند ب پاراگراف ۳ ماده ۱۴ میثاق مقرر می‌دارد که متهم باید زمان کافی و تسهیلات مناسب به‌منظور تدارک دفاع و ارتباط با وکیل مدافع منتخب خود را داشته باشد. به‌موجب دکترین، اینکه «زمان کافی» در این بند به چه معناست، به شرایط و اوضاع و احوال هر مورد

۱۱. سعید باقری، «استرداد مجرمان در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد»، مجله پژوهش‌های حقوقی ۲۲ (۱۳۹۱)، ۴۴.

وابسته است. چنانچه وکیل به نحو متعارفی احساس نماید که زمان برای تدارک دفاع کافی نیست، لازم است درخواست تعویق محاکمه را نماید.^{۱۲} علاوه بر ضرورت زمان کافی برای دفاع، میثاق دو مسئله دیگر را نیز مورد توجه قرار داده است: نخست اینکه چه کسی حق دفاع از جانب متهم را دارد و دوم اینکه آیا علی‌رغم میل متهم امکان تعیین وکیل برای او وجود دارد یا نه؟

بند د پاراگراف ۳ ماده ۱۴ مقرر می‌دارد که یک دفاع به صورت فردی یا با کمک مشاوران حقوقی بنا به انتخاب متهم انجام شود؛ لذا این امکان نیز باید برای متهم فراهم باشد که معاضدت از جانب هر وکیلی را رد کند. با وجود این، مقتضیات عدالت می‌تواند مستلزم تعیین یک وکیل علی‌رغم میل متهم باشد. به ویژه در موردی که شخص به طور مداوم در جریان صحیح محاکمه وقفه ایجاد کند یا مواجه با اتهام مهمی باشد، اما قادر به دفاع از خود نباشد. همچنین به موجب دکترین، در یک مورد دیگر نیز تعیین وکیل انتصابی مناسب به نظر می‌رسد و آن موردی است که شهود آسیب‌پذیر از جانب متهم در مواجهه حضوری مورد سؤال قرار گرفته و حمایت از ایشان در مقابل فشار یا ارباب ضرورت داشته باشد.^{۱۳} این بند از میثاق حق برخورداری از معاضدت حقوقی تسخیری برای متهم را به صورت رایگان در نظر می‌گیرد. اتخاذ تصمیم در این مورد که آیا باید برای متهم وکیل تسخیری تعیین شود یا نه، به شدت جرم بستگی دارد. به علاوه متهم باید در تمام مراحل رسیدگی از جانب وکیل مورد معاضدت قرار گیرد.^{۱۴}

آنچه از متن میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در خصوص حق برخورداری از وکیل قابل استفاده است، بیش از نکات فوق نیست. این در حالی است که میثاق علاوه بر تصریح به مواردی از حقوق متهم مبنی بر برخورداری از وکیل، با تأسیس کمیته حقوق بشر و اعطای اختیار تفسیر ضمنی میثاق به این نهاد، توسعه و تکامل تدریجی حق برخورداری از وکیل را از نظر دور نداشته است.

۱-۳- کمیته حقوق بشر و جایگاه آن در میان نهادهای بین‌المللی حقوق بشر

سازمان ملل متحد تجلی‌گاه اراده مشترک دولت‌ها در سطح جهان است و به حق می‌توان

12. Jixi Zhang, "Fair Trial Rights in ICCPR," *Journal of Politics and Law* 2(4) (2009): 39.

13. Ibid, 41.

14. U.N. Doc. CCPR/C/GC/32, "Article 14: Right to Equality before Courts and Tribunals and to a Fair Trial," (Human Rights Committee - Ninetieth Session: General Comment 32, 2007), Para. 38.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) را نشئت‌گرفته از چنین اراده‌ای دانست؛ چراکه مصوب رکن جامع این سازمان یعنی مجمع عمومی است. کمیته حقوق بشر به‌عنوان نهاد ناظر بر اجرای میثاق در راستای هرچه شفاف‌تر شدن محتوای حقوق مدنی و سیاسی گام برمی‌دارد^{۱۵}؛ بنابراین کمیته حقوق بشر صرفاً یکی از نهادهایی است که به‌گونه‌ای زایندهٔ اجماع حاصله از ملل متحد است.

نهادهای جهانی حمایت از حقوق بشر عمدتاً حول محور سازمان ملل متحد شکل گرفته و تکامل یافته‌اند؛ برخی از آنها بر اساس منشور ملل متحد بنا شده و در زمره ارگان‌های فرعی هستند؛ شماری دیگر اگرچه بر سایر معاهدات بین‌المللی مبتنی بوده‌اند، اما به‌نحوی به سازمان ملل متحد وابسته شده‌اند. مهم‌ترین نهاد جهانی حمایت از حقوق بشر از قسم اخیر، کمیته حقوق بشر است.^{۱۶} میثاق در مواد ۲۸ الی ۴۵ علاوه بر قواعد حاکم بر تأسیس کمیته، به ضوابط ناظر بر فعالیت‌های اجرایی و وظایف و اختیارات آن نیز پرداخته است.

به‌موجب مواد مزبور، کمیته مرکب از هجده کارشناس از اتباع دول عضو است که در زمینهٔ حقوق بشر صلاحیت دارند. اعضای کمیته برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد ایشان بلامانع است. در انتخاب اعضاء رعایت تقسیمات جغرافیایی، تمدن‌های مختلف و نظام‌های عمده حقوقی مدنظر است. همچنین بیش از یک تبعه از هر دولت نمی‌تواند عضو کمیته باشد. کمیته دو وظیفه عمده دارد: رسیدگی به گزارش‌های دوره‌ای دولت‌ها (مطابق ماده ۴۰) و رسیدگی به اعلام شکایت دول عضو در صورتی که دول مزبور صلاحیت کمیته را برای چنین امری به‌موجب اعلامیه جداگانه به‌رسمیت شناخته باشند.^{۱۷} کمیته در مقام ایفای این وظیفه همواره از تمایل دولت‌ها جهت رفع بحران‌ها و اختلافات و در نتیجه تحقق مسئولیت کامل آنها برطبق میثاق استقبال کرده است.^{۱۸} ماده ۲ پروتکل اختیاری اول به میثاق، وظیفه دیگری نیز برای کمیته در نظر می‌گیرد که رسیدگی به شکایات افراد خصوصی از دول متبوعشان دایر بر نقض حقوق مندرج در میثاق درمورد آنهاست. در میان این

۱۵. سید محمد هاشمی و امید نوروزی، «حقوق و آزادی‌های گروهی در رویه کمیته حقوق بشر»، مجله تحقیقات حقوقی آزاد، ۲۵ (۱۳۹۳)، ۱۱۲.

۱۶. باقری، پیشین، ۲۶.

۱۷. حسین مهرپور، حقوق بشر در نظام بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴)، ۶۹-۶۴.

۱۸. حوریه حسینی اکبرنژاد، «اجرای فراسرزمینی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با تکیه بر رویه کمیته حقوق بشر»، مجله پژوهش‌های حقوقی ۱۶ (۱۳۸۸)، ۱۰۴.

کارکردهای سه‌گانه، وظیفه نخست کمیته که با تعهد دولت‌ها به گزارش‌دهی ملازمه دارد، خود واجد اجزایی است.

کمیته در راستای ایفای کارکرد رسیدگی به گزارش‌ها بر اساس مواد ۴۰ الی ۴۵ میثاق، باید اولاً، به بررسی گزارش‌های دولت‌های عضو درخصوص اجرای تعهداتشان بپردازد؛ ثانیاً، تدوین گزارش درباره عملکرد دولت‌ها را در دستور کار قرار دهد؛ و ثالثاً، از رهگذر بررسی گزارش‌ها به ارائه تفاسیری درمورد مفاد میثاق در راستای ابهام‌زدایی از آن همت گمارد.^{۱۹} کمیته تلاش نموده در مقام ایفای این وظیفه، همه دولت‌ها اعم از توسعه‌یافته و درحال توسعه را به یک نحو مخاطب قرار دهد.

کمیته در سال ۲۰۱۴ گزارشی درمورد عدم تأمین حق برخورداری از وکیل در ایالات متحده صادر نموده است. در این گزارش بر نگرانی نسبت به اخراج و بازداشت خودسرانه گروه‌های خاصی از مهاجران تصریح و توصیه شده است که ایالات متحده در راستای تضمین حق برخورداری از معاضدت حقوقی برای اشخاص مزبور و همچنین زنان قربانی خشونت خانوادگی اقداماتی اتخاذ کند.^{۲۰} مرور رویه کمیته از بدو تأسیس تاکنون حاکی از آن است که این نهاد حقوق بشری تا حد ممکن استقلال خود را حفظ نموده و به هیچ‌یک از بلوک‌های غرب و شرق و توسعه‌یافته و درحال توسعه وابستگی نداشته است. این ویژگی کارکردی کمیته در مقایسه با سایر نهادهای حقوق بشری بین‌المللی بیشتر قابل درک است.

کمیته حقوق بشر کهن‌ترین نهاد معاهده‌ای حقوق بشری ملل متحد نیست. کمیته رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی^{۲۱} قدمت بیشتری دارد. با وجود این کمیته حقوق بشر در طول زمان به‌عنوان فعال‌ترین و مبتکرترین این نهادها ظاهر شد. عوامل چندی در کسب چنین موقعیتی دخیل هستند: نخست آنکه کمیته نسبت به سایر نهادهای معاهده‌ای گسترده‌ترین صلاحیت موضوعی را دارد؛ دوم آنکه اگرچه نهادهایی مانند کمیته رفع تبعیض نژادی در جریان جنگ سرد و پس از آن به جماهیر شوروی و دولت‌های درحال توسعه متحد و غیرمتحد شوروی، دستورالعمل‌هایی تبلیغاتی درمقابل غرب ارائه می‌نمود، اما کمیته حقوق بشر تاکنون

۱۹. شهناز هاشمی و عباس زارع، «رویه حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی باتوجه به قواعد بین‌الملل»،

مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه ۲/۴ (۱۳۹۵)، ۲۰۳.

20. U.N. Doc. CCPR/C/USA/CO/4, Human Rights Committee, "Concluding Observations - United States of America," (Official Records: Session, New York, 2014), Paras. 15-16.

21. CERD

به هیچ‌یک از دو بلوک غرب و شرق و سایر گروه‌ها امتیازی تبلیغاتی اعطاء نکرده است.^{۲۲} کارکرد کمیته در بررسی گزارش‌ها و ارائه توصیه‌ها به دولت‌های عضو مربوطه فاقد جنبه الزام‌آوری است. با وجود این کارکرد شبه‌قضایی کمیته در مقام حل‌وفصل اختلاف میان دولت‌ها یا رسیدگی به شکایات افراد از جنس دیگری است که الزام‌آوری تصمیمات کمیته را ایجاب می‌کند. این درحالی است که حاصل کار کمیته در کارکرد اخیر نیز به‌ندرت وصف الزام می‌یابد.

اگرچه کمیته حقوق بشر تصمیمات خود را به‌صورت آرای حقوقی بیان می‌کند، اما از آن رویه قضایی شکل نمی‌گیرد. قاعده کلی آن است که دیدگاه‌ها (تصمیمات) کمیته چه در مقام رسیدگی به شکایات میان دولت‌ها و چه در رسیدگی به شکایات فردی برای دولت‌ها الزام‌آور نیست. صرفاً در صورتی که آرای کمیته بیان‌گر قواعد عرفی باشند - نه اعلام‌کننده یک قاعده جدید - می‌توانند برای دولت‌ها الزام‌آور باشند.^{۲۳} این خلأ درمورد آیین شکایات بیشتر محسوس است. با وجود این پروتکل الحاقی درمورد اینکه نقش کمیته پس از اتخاذ تصمیم درمورد یک شکایت چیست، صرفاً در ماده ۶ کمیته را ملزم می‌کند که خلاصه‌ای از فعالیت‌های خود بر اساس پروتکل را به مجمع عمومی ملل متحد گزارش نموده و توجه آن را به عدم‌رعایت دیدگاه‌های کمیته از جانب دولت‌ها جلب کند.^{۲۴} به این ترتیب، علاوه بر الزام حاصله از قواعد عرفی، مجمع عمومی نیز می‌تواند توصیه‌های لازم را به دولت خاطی بنماید. رویکرد خود کمیته به ارزش حقوقی دیدگاه‌ها در نظریه عمومی شماره ۳۳ (۲۰۰۸) منعکس شده است که به‌موجب بند ۱۱ آن: «اگرچه عملکرد کمیته حقوق بشر در رسیدگی به شکایات فردی از نوع وظایف یک نهاد قضایی نیست، دیدگاه‌هایی که از سوی کمیته بر اساس پروتکل اختیاری اتخاذ می‌شوند، مبین برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های تصمیمات قضایی هستند. چنین دیدگاه‌هایی در حال و هوا و روح قضایی اتخاذ می‌شوند که از جمله آنها می‌توان به بی‌طرفی و استقلال اعضای کمیته، تفسیر مواد میثاق و ویژگی تعیین‌کننده و قاطع این تصمیمات اشاره نمود.»^{۲۵} حسب نظریه مزبور، کمیته هیچ موضع‌گیری قاطعی

22. Thomas Buergenthal, "The U.N. Human Rights Committee," *Max Planck U.N. Year Book* 5 (2001): 342.

۲۳. باقری، پیشین، ۲۶-۲۷.

24. Buergenthal, op.cit. 373.

25. U.N. Doc. CCPR/C/GC/33. "The Obligations of States Parties under the Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights (Para. 11)," (Human Rights Committee - Ninety-fourth Session: General Comment 33, Nov. 5, 2008).

درخصوص ارزش حقوقی دیدگاه‌های خود انجام نداده و صرفاً به بیان خصایص و ویژگی‌های این دیدگاه‌ها بسنده نموده است. علت این امر را باید در عدم‌آمدگی دولت‌ها در پذیرش الزام‌آوری این دیدگاه‌ها دانست. با وجود این کمیته با اتخاذ سیاستی آگاهانه این تصمیمات را الزام‌آور تلقی می‌کند و این موضوع با توجه به نحوه تنظیم و تدوین و زبان به کار گرفته شده آشکار است. چنین رویکردی از جانب کمیته حکایت از آن دارد که ارزش دیدگاه‌ها فراتر از صرف توصیه است.^{۲۶} به علاوه آورده‌های کمیته خواه نظریات عمومی باشند و خواه دیدگاه‌ها یا تصمیمات آن، نقش غیرقابل‌انکاری در توسعه و تدوین حقوق بشر از جمله حق برخورداری از وکیل برای متهمان دارند.

۲- حق برخورداری از وکیل در نظریات عمومی و دیدگاه‌ها (تصمیمات)

کمیته حقوق بشر

واکاوی حق برخورداری از وکیل برای متهم در رویه کمیته حقوق بشر مستلزم آن است که اولاً این حق را به‌طور ماهوی در نظریات عمومی و تصمیمات (دیدگاه‌های) کمیته به تفکیک مدنظر قرار داد و ثانیاً پیش از ورود به ارزیابی هر یک از این دو گونه رویه، سازکارهای معمول به کمیته برای هر یک از نظریات و دیدگاه‌ها را از حیث شکلی موردتبع قرار داد. جنبه شکلی موضوع از این‌رو ضروری می‌نماید که گاه عدم‌رعایت شرایط شکلی و سازکار اجرایی مقرر در قواعد دادرسی کمیته، امکان بررسی ماهوی موضوع توسط کمیته را منتفی می‌کند.

۲-۱- موانع اجرایی و سازکار رسیدگی کمیته حقوق بشر به شکایات انفرادی

سازکار رسیدگی و اتخاذ تصمیم کمیته تا اندازه‌ای منجر به ایجاد موانع در نیل به اهداف این نهاد بین‌المللی شده است. به‌ویژه آنکه یکی از شکایات واصله به کمیته، شکایت از عدم‌رعایت دادرسی عادلانه و به‌طور خاص عدم‌حضور وکیل در فرایند دادرسی بوده و بعضاً منجر به صدور مجازات‌های شدید و غیرعادلانه همچون مجازات اعدام شده است. از جمله موانع مزبور آن است که پروتکل الحاقی دیدگاه‌های کمیته را برای دول عضو الزام‌آور تلقی نمی‌کند. در نتیجه پاره‌ای از دولت‌ها اجرای این دیدگاه‌ها را برای خود الزامی نمی‌دانند؛ برخی دیگر از دولت‌ها نیز با این استدلال که به‌موجب حقوق داخلی‌شان نمی‌توانند اجرای توصیه‌های

۲۶. سادات‌اخوی، سید علی و فرنز فکوری، «ارزش حقوقی دیدگاه‌های پایانی کمیته حقوق بشر»، مجله حقوقی بین‌المللی ۴۳ (۱۳۸۹)، ۷۳.

غیرالزام‌آور نهادهای بین‌المللی را در دستور کار قرار دهند، از اجرای دیدگاه‌ها و تصمیمات کمیته می‌گیرند. این ملاحظات کمیته را بر آن داشت تا در کنفرانس وین ۱۹۹۳ در مورد حقوق بشر پیشنهاد نماید که پاراگرافی به ماده ۵ پروتکل اضافه شود مبنی بر آنکه: «دولت‌های عضو متعهد به اجرای دیدگاه‌های کمیته به موجب پروتکل الحاقی هستند.» با وجود این، حاکمیت دولت‌ها مانع از آن شد که در کنفرانس مزبور اقدامی درخصوص این پیشنهاد صورت گیرد. پس از این کنفرانس نیز کمیته تلاش می‌کرد تا ماهیت هنجاری دیدگاه‌های خود را با استناد به ماده ۲ میثاق تقویت کند. در پرتو این ماده می‌توان بر این باور بود که دیدگاه‌های کمیته اگرچه به‌طور کامل از الزام برخوردار نیستند، اما آنها را نمی‌توان فاقد اهمیت حقوقی دانست.^{۲۷} این عدم‌صراحت حقوقی خود از جمله موانعی است که کمیته به‌منظور نیل به اهداف خود با آن مواجه است؛ چراکه مستمسکی در اختیار دولت‌های عضو قرار می‌دهد.

یک نمونه از عدم‌رعایت دیدگاه‌های اتخاذی کمیته از جانب دولت‌ها به دولت جامائیکا مربوط می‌شود. کمیته پس از احراز عدم‌رعایت تصمیمات خود از جانب این دولت در سال ۱۹۹۵ گزارشگر ویژه را به این دولت گسیل داشت. پس از ملاقات گزارشگر با مقامات رسمی، قضات، دادستان‌ها و ...، رویه دولت جامائیکا به سوی رعایت بیشتر دیدگاه‌های کمیته تغییر کرد. در نتیجه کمیته به‌طور مکرر از اداره کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد تقاضای بودجه نمود تا حداقل سالانه یک مرتبه چنین نشست‌هایی را با دولت‌های مربوطه برگزار کند. ملاقات‌هایی نیز در ژنو و نیویورک میان گزارشگر ویژه و رؤسای هیئت‌های نمایندگی دولت‌ها در سازمان ملل متحد صورت گرفت. این ملاقات‌ها به‌منظور متقاعد کردن دولت‌ها به اثربخشی به دیدگاه‌های کمیته طراحی شده بود. پیگیری‌های کمیته در این قبیل اقدامات مبین آن است که اولاً، رعایت دیدگاه‌های کمیته از جانب دولت‌ها هنوز از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست؛ و ثانیاً، کمیته به‌نحو فزاینده‌ای تلاش‌های خود را در راستای اجباری تلقی نمودن رعایت این دیدگاه‌ها به‌کار می‌گیرد.^{۲۸} علاوه بر مانعیت ضمانت‌اجرا، بعضاً آیین دادرسی و ضوابط شکلی کمیته نیز موانعی در راه مقابله با دولت ناقض ایجاد می‌کند.

از دیگر موانع رسیدگی کمیته به شکایات آن است که مطابق این آیین خواهان باید به همه روش‌های داخلی جبران خسارت در دسترس متوسل شده و نتیجه نگرفته باشد. مانع

27. Ibid, 376.

28. Ibid, 375.

دیگر آن است که کمیته زمانی به شکایت رسیدگی می‌کند که مطمئن شود موضوع به‌موجب یکی دیگر از روش‌های حل و فصل اختلاف بین‌المللی مورد بررسی قرار نگرفته باشد. نظر به آنکه دو مانع اخیر نشئت گرفته از سازکار رسیدگی کمیته است، اشاره مختصر به آیین رسیدگی در این نهاد بین‌المللی خالی از لطف نیست.

کمیته بررسی‌های خود را در نشست‌های خصوصی انجام می‌دهد. پایان رسیدگی‌های کمیته منجر به پذیرش تصمیمات کمیته است. تا پیش از ۱۹۹۵ کمیته ابتدا به قابلیت پذیرش موضوع و سپس به ماهیت می‌پرداخت، اما از آن سال ماهیت و قابلیت پذیرش را توأمان مورد بررسی قرار می‌دهد. از ۱۹۹۷ کمیته برای رویه اخیر خود استثنایی در نظر گرفت که عبارت بود از ابعاد ویژه موضوع که توجیه‌کننده رسیدگی مجزا به مسئله قابلیت پذیرش باشد. از ۱۹۸۰ کمیته مسائل مربوط به قابلیت پذیرش را به کارگروه مقدماتی رسیدگی به شکایات و گاه به گزارشگران ویژه محول کرد. قابل‌پذیرش تلقی کردن موضوع از جانب کارگروه مقدماتی در صورتی احراز می‌شد که همه پنج عضو کارگروه با آن موافق باشند. اگر نصاب مزبور محقق نمی‌شد، کمیته درخصوص موضوع تصمیم می‌گرفت. اگر کارگروه برخی موضوعات یک شکایت را قابل‌پذیرش و برخی را غیرقابل‌پذیرش می‌دانست، باید بخش نخست را به کمیته ارجاع می‌نمود. در مرحله بعد (از ۱۹۸۹) برای شکایات جدید، گزارشگر ویژه به کمیته توصیه می‌کرد تا یک شکایت را غیرقابل‌پذیرش اعلام کند. روش اخیر، کمیته را قادر می‌ساخت از باب مصلحت به مسائل فوری از جمله مجازات اعدام، استرداد مجرمین و اخراج رسیدگی کند.^{۲۹} امروزه کلیه شکایات جدید به گزارشگر ویژه ارجاع می‌شود و این مقام تصمیم می‌گیرد که آیا به‌منظور قابلیت پذیرش موضوع، شکایت بسط و توسعه بیشتری یابد و یا به همان صورت به دولت‌های طرف دعوا ارجاع شود تا ملاحظات خود را به کمیته منعکس کنند. تا پیش از ابلاغ شکایت به دولت مربوطه و ارائه فرصت به آن جهت پاسخ‌گویی، هیچ موضوعی قابل‌پذیرش تلقی نمی‌شود.^{۳۰} پس از قابلیت پذیرش، کمیته مکاتبات خود را با دولت خواننده آغاز می‌کند و مشابه تبادل لوایح در دادرسی‌های بین‌المللی را میان طرفین برقرار می‌نماید.

از زمان ابلاغ شکایت، به دولت عضو مربوطه شش ماه فرصت داده می‌شود که استدلال‌های خود را درخصوص ماهیت قضیه به کمیته تسلیم نماید. سپس شاکی فرصت

29. Ibid, 368-369.

30. See: Rules of Procedures, Rule 91(2).

خواهد داشت در مدتی که از جانب کمیته مشخص می‌شود، به استدلال‌های دولت مربوطه پاسخ دهد. چنانچه دولت مربوطه صرفاً درخصوص قابلیت پذیرش اعتراض داشته باشد، دو ماه فرصت خواهد داشت تا دادخواستی را به منظور رد شکایت با بیان ادله خود ارائه کند. کمیته (کارگروه یا گزارشگر ویژه) چنانچه تصمیم به قابلیت پذیرش بگیرد، می‌تواند زمان رسیدگی به ماهیت را تمدید کند. پس از دریافت نقطه نظرات طرفین، کارگروه مقدماتی به بررسی موضوع می‌پردازد و توصیه‌های خود را در قالب پیش‌نویسی به کمیته ارائه می‌کند. کمیته با تجزیه و تحلیل پیش‌نویس، تصمیم‌گیری می‌کند. اگرچه رئیس کمیته معمولاً تلاش می‌کند که به اجماع تصمیم‌گیری شود، اعضای کمیته آزادند که نظریات جداگانه خود را ضمیمه نمایند و معمولاً چنین می‌کنند. چنانچه در خلال رسیدگی‌های ماهوی ادله دیگری یافت شود که توجیه‌کننده عدم قابلیت پذیرش باشد، کمیته می‌تواند موضوع را غیرقابل پذیرش اعلام کند.^{۳۱} چنین ترتیباتی اگرچه در یک رسیدگی شبه قضایی ضرورت دارد، اما گاه ممکن است موجب فوت وقت یا منفعتی شود. در نتیجه به موجب قواعد دادرسی کمیته، امکان صدور دستور اقدامات موقت پیش‌بینی شده است.

اقدامات موقت تصمیمات موقتی هستند که کمیته باید پیش از اعلام آرای نهایی خود اتخاذ کند و هدف آن جلوگیری از ورود خسارت جبران‌ناپذیر به قربانی است. یکی از مصادیق اقدامات موقت در مورد اشخاص محکوم‌شده‌ای است که در انتظار اجرای حکم و مدعی عدم رعایت ضوابط محاکمه عادلانه نسبت به خود هستند. اقدامات موقت درخواستی از سوی کمیته صرفاً جنبه توصیه داشته و غیرالزامی است. با وجود این، کمیته اخیراً تمایل داشته که دولت‌های عضو را به اجرای چنین درخواست‌هایی متعهد کند.^{۳۲} در مجموع اقدامات موقت را می‌توان تدبیری در راستای ممانعت از اجرای حکمی دانست که بدون طی تشریفات لازم صادر شده است. حق برخورداری از وکیل نیز از جمله ضوابط و تشریفات است که عدم رعایت آن می‌تواند صدور دستور موقت از سوی کمیته را توجیه‌پذیر کند.

۲-۲- حق برخورداری از وکیل در نظریات عمومی کمیته حقوق بشر

نظریات عمومی^{۳۳} کمیته را باید از دیدگاه‌های^{۳۴} آن تفکیک نمود. برخلاف دیدگاه‌ها که در

31. See: Rules of Procedures, Rule 91(3).

۳۲. جینو جی نالدی، «اقدام‌های موقت در کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد»، ترجمه فرهاد خمایی‌زاده، *مجله تخصصی الهیات و حقوق* ۱۵ و ۱۶ (۱۳۸۴)، ۳۰۹.

33. General Comments

جریان رسیدگی به شکایات فردی موردپذیرش کمیته قرار می‌گیرند، نظریات عمومی بخشی از سازکار گزارش‌دهی ایجادشده توسط ماده ۴۰ میثاق هستند. مطابق این ماده: «کمیته نظریات عمومی خود را تا جایی که مناسب بداند به دولت‌های عضو ارائه خواهد نمود. همچنین کمیته می‌تواند این نظریات را در کنار نسخه‌ای از گزارش‌هایی که از دولت‌های عضو دریافت کرده است، به شورای اقتصادی و اجتماعی ارائه نماید.» به این ترتیب نظریات عمومی ناشی از اظهارنظر کمیته در مورد میزان پایبندی دولت‌ها به ایفای تعهداتشان به موجب میثاق است. با گذشت زمان نظریات عمومی به ابزاری قضایی تبدیل شده‌اند که کمیته را قادر می‌سازد تا تفاسیر خود را از مقررات مختلف میثاق اعلام نماید؛ به گونه‌ای که می‌تواند شباهتی به نظریات مشورتی محاکم بین‌المللی داشته باشد. اهمیت نظریات عمومی تا آنجاست که دولت‌ها و افراد به منظور تقویت استدلال‌های خود نزد کمیته، به نحو فزاینده‌ای به آن استناد می‌کنند. در نتیجه نظریات عمومی به ابزاری مهم در فرایند حقوق‌سازی کمیته تبدیل شده‌اند.^{۳۵} اهمیت هنجاری این نظریات با گذر زمان ارتقاء یافته است. این ارتقاء در هر دو بُعد شکلی و ماهوی نمایان شده است.

تحولات نظریات عمومی در طول سالیان متمادی از این قرار بوده است که از حیث شکلی گزارش‌های اولیه بسیار مختصر بود و از یک صفحه تجاوز نمی‌کرد؛ حال آنکه امروزه نظریات عمومی طولانی‌تر است. از بُعد ماهوی گزارش‌های سابق در تفسیر میثاق با تردید اقدام می‌کرد و به مسائل بحث‌برانگیز نمی‌پرداخت. از اواخر دهه ۱۹۸۰ کیفیت نظریات عمومی به تدریج ارتقاء یافت؛ چراکه با خاتمه جنگ سرد، نیل به اجماع در تفسیر مقررات میثاق برای کمیته تسهیل شد. امروزه نظریات عمومی جنبه تحلیلی بیشتری به خود گرفته‌اند و مسائل غامض تفسیر را نیز مدنظر قرار می‌دهند.^{۳۶}

نظریات عمومی کمیته حسب آنکه دولت عضو، کدام‌یک از تعهدات خود به موجب میثاق را نادیده گرفته باشد، می‌تواند شامل مصادیق مختلفی از حقوق بشر گردد. حق برخورداری از وکیل برای متهمان از جمله مواردی است که حسب ضرورت توجه نظریات عمومی کمیته را به خود جلب نموده است. نظریات مزبور عمدتاً در مقام تفسیر میثاق و ابهام‌زدایی از آن صادر شده‌اند که ذکر نمونه‌هایی از آن به تحلیل ماهوی حق برخورداری از وکیل کمک خواهد کرد.

34. Views

35. Buergenthal, op.cit. 386.

36. Ibid, 388.

نظریه عمومی شماره ۳۲ کمیته در مقام ابهام‌زدایی از بند ب پاراگراف ۳ ماده ۱۴ میثاق صادر شده است. نظریه مزبور بر این باور است که عبارت «تسهیلات مناسب» در این ماده باید متضمن دسترسی به اسناد و سایر ادله باشد و شامل تمام اسنادی می‌شود که دادستان قصد دارد علیه متهم به دادگاه ارائه دهد. این نظریه می‌افزاید چنانچه متهم به زبان برگزاری دادرسی صحبت نکند، اما وکیلی آشنا به آن زبان دفاع وی را برعهده داشته باشد، کافی است که اسناد مربوطه در بایگانی پرونده در اختیار وکیل قرار گیرد.^{۳۷} این نظریه همچنین اشعار می‌دارد که دولت عضو مسئول عملکرد وکیل تلقی نمی‌شود، مگر آنکه برای قاضی محرز باشد که عملکرد وکیل با مقتضیات عدالت ناسازگار است.^{۳۸} از این قسمت از نظریه برمی‌آید که اولاً، استقلال وکلا از دولت باید رعایت شود؛ و ثانیاً، عدم‌مسئولیت دولت در فرضی است که وکیل مستقلی دفاع را برعهده داشته باشد، نه وکیلی که گماشته دولت است.

تصریح به لزوم استقلال وکلا به موجب نظریه عمومی شماره ۱۳ تبیین شده است. مطابق این نظریه وکلا باید بتوانند نمایندگی از جانب موکل خود را بر اساس معیارهای حرفه‌ای و بدون هرگونه محدودیت، اعمال نفوذ، فشار یا مداخله ناروا از جانب هر شخص یا مقامی انجام دهند.^{۳۹} لزوم استقلال وکیل و حق دسترسی متهم به وکیل لازم و ملزوم یکدیگرند. چنانچه متهم حق دسترسی به وکیل داشته باشد، اما وکیل از استقلال برخوردار نباشد، حقوق دفاعی متهم تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ کما اینکه اگر وکیل دارای استقلال باشد، اما متهم حق دسترسی به وی را نداشته باشد، ضوابط دادرسی عادلانه رعایت نشده است. یکی از شرایط دسترسی به وکیل، فوریت دسترسی و نحوه ملاقات است که از منظر کمیته دور نمانده است. کمیته در نظریه عمومی شماره ۳۲ فوق‌الذکر اعلام داشته که حق تماس با وکیل مستلزم آن است که برای متهم امکان دسترسی فوری به وکیل فراهم شود. وکیل می‌تواند با موکلین خود به‌طور خصوصی ملاقات کند و محرمانه بودن تماس آنها کاملاً رعایت شود. وکلا باید قادر به ارائه مشاوره و پذیرش وکالت متهمان باشند و در این راستا اصول اخلاق حرفه‌ای به رسمیت شناخته‌شده را مرعی دارند؛ بدون آنکه محدودیتی بر ایشان وارد شود یا موضوع اعمال نفوذ یا فشار یا مداخله غیرقانونی از هر سویی باشند.^{۴۰} به این ترتیب بر ضوابط مذکور

37. U.N. Doc., 2007, op.cit. Para. 33.

38. Ibid, para. 32.

39. U.N. Doc. CCPR/C/GC/13, "Equality before the Courts and the Right to a Fair and Public Hearing by an Independent Court Established by Law (Art. 14)," (Human Rights Committee - Twenty First Session: General Comment 13, 1984), Para. 9.

40. U.N. Doc., 2007, op.cit. para. 34

در نظریه شماره ۱۳ در مورد عدم هرگونه محدودیت وکیل، در نظریه شماره ۳۲ باز تأکید می‌شود.

روی هم‌رفته نظریات عمومی کمیته حقوق بشر بر این باور است که متهم یا وکیل او باید از حق دفاع فعال در تمام مراحل تحقیق و رسیدگی برخوردار باشند. کمیته موارد زیر را نقض قسمت سوم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق شمرده است: ۱. هنگامی که متهم از امکان دسترسی به هر نوع مشاور حقوقی محروم بوده است؛ ۲. هنگامی که فردی برخلاف میل متهم به‌عنوان وکیل مدافع وی انتخاب شده است؛ ۳. در مواردی که امکان ارتباط با وکیل از متهم سلب شده است؛ ۴. هنگامی که حق حضور متهم یا وکیل وی در مراحل مختلف رسیدگی نادیده گرفته شود.^{۴۱} گذشته از مواردی که کمیته در نظریات خود از جنبه الزامات دادرسی عادلانه به لزوم تضمین حق برخورداری از وکیل توصیه‌هایی نموده است، مواردی را نیز می‌توان یافت که کمیته به تعهد حقوق بشری دیگری پرداخته و در خلال آن حقوق برخورداری از وکیل را نیز مورد توجه قرار داده است.

نظریه عمومی شماره ۲۰ (۱۹۹۲) از این نمونه است که تفسیر ماده ۷ میثاق درباره ممنوعیت شکنجه است. بند ۱۱ از نظریه یادشده تصریح می‌کند افراد بازداشت‌شده بی‌درنگ و به‌طور منظم و پیاپی با پزشکان و وکلا و اعضای خانواده خود تحت نظارت ویژه‌ای که مقتضی تحقیقات مقدماتی است، دیدار نمایند. برخی حقوق دانان را عقیده بر آن است که باتوجه به این نظریه می‌توان جلوگیری از ارتباط متهم بازداشت‌شده با وکیل مدافعش را مصادقی از شکنجه وی به‌شمار آورد.^{۴۲}

به‌طور کلی نظریات عمومی کمیته در خصوص حق برخورداری از وکیل بر آن بوده تا با رفع ابهام از مقررات میثاق، جزئیات مجمل حق مورد بحث را حسب مسلمات دادرسی عادلانه تحلیل و در این زمینه گامی فرابیش بردارد. بالتبع نهاد مزبور در این راستا از ابزار تفسیر بهره جسته است.

۴۱. ابوالفضل سلیمیان و سعید دریایی بغدادآبادی، «جایگاه نهاد وکالت در چهارچوب اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، *مطالعات حقوق بشر اسلامی* ۹ (۱۳۹۴)، ۷۸.

۴۲. احمد قاسمی، «حقوق متهم در دادرسی‌های کیفری ایران و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» (رساله دکترا، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۷)، ۱۷۳.

۲-۳- حق برخورداری از وکیل در دیدگاه‌ها (تصمیمات) کمیته حقوق بشر

پیش‌تر اشاره شد که کمیته حقوق بشر به‌موجب پروتکل اختیاری اول، درخصوص ادعای اتباع دولت‌ها مبنی بر نقض میثاق که معمولاً مکاتبات انفرادی نامیده می‌شود، صلاحیت رسیدگی دارد. این درخواست علیه آن دسته از دولت‌های عضو میثاق امکان‌پذیر است که پروتکل اختیاری را تصویب کرده باشند. اظهارنظرهای رسمی کمیته در مقام رسیدگی به این شکایات، دیدگاه‌ها یا تصمیمات^{۴۳} کمیته نامیده می‌شوند که حسب ماده (۴) پروتکل، رسماً خصوصیت الزام‌آور آرای یک دادگاه حقوقی را ندارند، در عوض از یک قدرت شبه‌حقوقی تشویقی برخوردارند.^{۴۴} نحوه نگارش این ماده حکایت از آن دارد که دیدگاه‌های مزبور بیشتر جنبه مشورتی دارند؛ البته این بدان‌معنا نیست که فاقد اثر هنجاری بوده یا می‌تواند در مواجهه با مصونیت دولت نادیده گرفته شود. به‌ویژه آنکه دولت‌های عضو به‌موجب پروتکل، صلاحیت کمیته را جهت تعیین نقض میثاق به‌رسمیت شناخته‌اند؛ بنابراین تصمیم کمیته در این خصوص از مشروعیتی هنجاری و نهادین برخوردار است که حامل انتظاری موجه مبنی بر رعایت است.^{۴۵} حق برخورداری از وکیل به‌منزله یکی از اختلافات حقوق بشری داخل در صلاحیت کمیته، در مواردی موضوع تصمیمات کمیته و مشمول توسعه شبه‌قضایی آن قرار گرفته است. در پرونده *دانیل پینتو*^{۴۶} علیه ترینیداد و توباگو (۲۰ جولای ۱۹۹۰) خواهان - شهروند این دولت - در زندان دولتی در انتظار اجرای حکم اعدام بود. وی در نیمه‌شب بازداشت و متهم به قتل عمد شده بود. در ۱۹۸۵ وی از جانب دادگاه بدوی محکوم به اعدام گردید و در ۱۹۸۶ این حکم توسط دادگاه تجدیدنظر تأیید شد. حسب دفاعیات، متهم در ۱۷ فوریه ۱۹۸۲ از جانب پنج مرد مورد ضرب و جرح قرار گرفت که ضربه یکی از ضاربان تصادفاً به یکی دیگر از ضاربان برخورد کرد و موجب قتل آن شخص شد. وفق ادعای خواهان، وکیل معاضدتی تعیین‌شده، دفاع مناسبی از وی به‌عمل نیاورد و حتی پیش از جلسه دادرسی هرگز با وی تماس نداشت؛ در جریان دادرسی نیز نقشی منفعل داشته و هیچ یادداشت یا اظهار اعتراضی ارائه نکرد. پس از ارائه شکایت پینتو به کمیته مبنی بر آنکه حقوق بشری‌اش از جمله حق دادرسی عادلانه نقض شده است، در ۲۲ جولای ۱۹۸۷ کمیته شکایت را به دولت مربوطه تسلیم و درخواست کرد تا پیش از بررسی قابلیت پذیرش در کمیته، از اجرای مجازات اعدام

43. Decisions

۴۴. نالدی، پیشین، ۳۰۸-۳۰۷.

45. Buergenthal, op.cit. 368-369.

46. Daniel Pinto

خودداری کند. کمیته در ۱۸ جولای ۱۹۸۹ شکایت را قابل پذیرش تلقی کرد. مدت زمان پاسخ‌گویی دولت در ۱۷ فوریه ۱۹۹۰ به پایان رسید و هیچ پاسخی به کمیته واصل نشد. کمیته وفق بند ۱ ماده ۵ پروتکل، وارد رسیدگی ماهوی شد. مطابق دیدگاه کمیته، اگرچه برای خواهان وکیل تسخیری تعیین شده بود؛ اما حق اعتراض به وکیل تعیین شده را نیز باید حقی مسلم شمرد. به‌ویژه آنکه وکیل مزبور در مرحله بدوی دفاع مناسبی از متهم به‌عمل نیاورده بود. از این‌رو متهم درخواست کرده بود تا در مرحله تجدیدنظر وکیل دیگری داشته باشد. با توجه به شدت اتهام، دولت مربوطه باید با تقاضای متهم برای برخورداری از وکیل دیگر موافقت می‌کرد؛ حتی اگر منجر به تعویق رسیدگی‌ها می‌شد. کمیته بر این باور است که معاضدت حقوقی به متهم در رسیدگی کیفری باید به‌گونه‌ای فراهم باشد که به‌طور مناسب و مؤثر عدالت را تضمین کند و این امر در پرونده رعایت نشده است. از دیدگاه کمیته تا جایی که حق برخورداری مؤثر متهم از وکیل در خلال رسیدگی‌ها مورد انکار قرار گرفته، شرایط قسمت د بند ۳ ماده ۱۴ نقض شده است. همچنین از آنجاکه حکم نهایی اعدام بدون رعایت الزامات دادرسی عادلانه مقرر در ماده ۱۴ صادر گردیده، حق مورد حمایت در ماده ۶ نیز نقض شده است.^{۴۷} ماده ۶ میثاق ناظر به حق حیات است که به‌زعم کمیته چون بدون رعایت حق برخورداری از وکیل برای متهم مجازات اعدام در نظر گرفته شده، حق حیات وی نیز نقض شده است. کمیته در این پرونده در بدو امر خود را به منطوق و نص ماده محدود می‌کند، اما چون میثاق حق برخورداری از وکیل را در پرتو حق بر دفاع و دادرسی عادلانه دیده است، کمیته نیز تا اندازه‌ای وارد مفهوم و فحوا می‌شود و پیوندی میان این حق و بدیهیات دادرسی عادلانه برقرار می‌کند.

در قضیه میگوئل آنجل استرلا^{۴۸} علیه اروگوئه (۱۹۸۰)، خواهان ادعا نمود حق وی به داشتن وکیل منتخب محدود به انتخاب دو تن از وکلایی شده که توسط دولت منصوب شده‌اند و وی در طول مدت سه سال تنها چهار نوبت موفق به ملاقات با وکیل خویش شده است. کمیته در این قضیه نیز نقض قسمت ب و د بند ۳ ماده ۱۴ را محرز دانست.^{۴۹} این دعوا

47. United Nations CCPR/C/OP/3, Selected Decisions of the Human Rights Committee under the Optional Protocol, Vol. 3, Human Rights Committee Thirty-Third to Thirty-Ninth Session (July 1988 - July 1990), New York and Geneva, 2002: 225-231.

48. Miguel Angel Estrella

۴۹. سارا جوزف و دیگران، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: دعاوی، آموزه‌ها، تفاسیر، ترجمه سید قاسم زمانی (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰)، ۵۱۴.

نیز ناظر به انتخابی بودن وکیل است. لکن کمیته در این قضیه این حق را از دو جهت مورد توجه قرار می‌دهد: نخست از حیث حق ملاقات و تماس وکیل و موکل و دیگری از زاویه حق انتخاب وکیل از میان جمعی غیرمحصور.^{۵۰}

در دعوی کویدر کروش^{۵۱} علیه دولت الجزایر (۲۰۱۶)، خواهان اظهار داشت که در رسیدگی تجدیدنظر در دادگاه عالی به اتهام ضرب و جرح یک افسر پلیس، درخواست وی مبنی بر برخورداری از معاضدت حقوقی رد شد؛ در نتیجه فرصت و مساعدت لازم برای دفاع را در اختیار نداشت. هیچ وکیل مدافعی حتی به صورت تسخیری هم برای او تعیین نشد. کمیته در این مورد نیز قائل به نقض حق برخورداری از وکیل مندرج در بندهای ۱ و ۳ ماده ۱۴ میثاق شد.^{۵۲} در این پرونده، اصل حق برخورداری از وکیل محل مناقشه بوده است.

در شکایت آلج پوستوالف^{۵۳} علیه فدراسیون روسیه (۲۰۱۰)، خواهان ادعا نمود که در ابتدای رسیدگی دادگاه بدوی روسیه، درخواست تغییر وکیل خود را به سبب زیاد بودن مبلغ حق الوکاله درخواستی وی داشت، اما دادگاه این درخواست را رد کرد؛ امری که برخلاف بند ۷ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری روسیه نیز بود. در ادامه متهم به موجب بند ۶ ماده ۴۷ همان قانون درخواست نمود که خواهرش نمایندگی قانونی وی را برعهده گیرد که این درخواست نیز رد شد. کمیته در این قضیه نیز قائل به نقض بند ۳ ماده ۱۴ میثاق شد.^{۵۴}

۵۰. از بُعد قوانین داخلی در این خصوص می‌توان به ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشاره نمود که وفق آن «در جرایم علیه امنیت کشور یا در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری است و رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است، طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید سازمان قضایی نیروهای مسلح باشد، انتخاب می‌نماید»، همچنین تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که وفق آن «در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان یافته که مجازات آن مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌کنند...». این رویه هم خلاف تعهدات ایران به موجب میثاق و هم خلاف آورده‌های کمیته است. نهایتاً پس از اعتراضات فراوان صرفاً تبصره مزبور از حیث محدودیت انتخاب وکیل، اصلاح و در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی تصویب و جهت رأی‌گیری به صحن علنی مجلس ارسال گردیده است.

51. Kouider Kerrouche

52. United Nations CCPR/C/118/D/2128, Views Adopted by the Committee under Article 5 (4) of the Optional Protocol, Concerning Communication No. 2128/2012, Human Rights Committee 118th Session (3 November 2016), Para. 8.5.

53. Oleg Pustovalov

54. United Nations CCPR/C/98/D/1232, Views Adopted by the Committee, Concerning Communication No. 1232/2003, Human Rights Committee Ninety-eighth session Session (23 March), 2010: Paras. 2.5 & 9.

این قضیه، حق تغییر وکیل برای متهم مورد تأیید قرار می‌گیرد و به این ترتیب کمیته در مقام توسعه گستره حق دفاع مندرج در ماده ۱۴ میثاق، اقتضاء دیگری برای این حق در نظر می‌گیرد.

در دعوی جراردو گایوسو مارتینز^{۵۵} علیه دولت اسپانیا (۲۰۰۹)، خواهان که یک وکیل دادگستری بود، اظهار داشت که به منظور دفاع از شخص بازداشت‌شده، به اداره پلیسی در شهر مادرید فراخوانده شد. با رسیدن وکیل، افسر پلیس در خصوص بزه ادعایی علیه متهم، از وی سؤالاتی پرسید؛ درحالی که متهم منکر هرگونه دخالتی در اعمال ادعایی بود. افسر پلیس حتی از تفهیم اتهام به متهم نیز خودداری کرده بود و از تفهیم اتهام توسط وکیل به متهم نیز ممانعت می‌کرد. از دیدگاه وکیل مربوطه این اقدامات غیرقانونی بود. دیوان عالی ملی اسپانیا نیز محدودیت ارتباط وکیل و متهم و سلب حق دفاع شایسته متهم را نپذیرفت. کمیته در این قضیه اظهار داشت که اقدام پلیس و عدم توجه دادگاه عالی به محدودیت برخورداری حداکثری از حق برخورداری از وکیل، نقض تعهد دولت اسپانیا به موجب بندهای ۳ و ۵ ماده ۱۴ میثاق بوده است.^{۵۶} در این مورد اصل حق برخورداری از وکیل رعایت شده بود، لکن ارتباط مؤثر وکیل و موکل انکار شده بود. کمیته مفهوم موسعی از حق دسترسی به وکیل را در نظر می‌گیرد و آن را صرفاً ناظر به مرحله دادرسی یا بخش خاصی از فرایند رسیدگی نمی‌داند.

در قضیه ویاجسلاو برزنوی^{۵۷} علیه فدراسیون روسیه (۲۰۱۶)، خواهان توسط پلیس محلی شهر ساراتو^{۵۸} بازداشت و به اداره پلیس منتقل شد. در زمان بازداشت، علت دستگیری به وی اعلام نشده و حق دسترسی به وکیل برای وی در نظر گرفته نشد. خواهان در شکایت خود اظهار می‌دارد که در طول ده ساعت ابتدایی بازداشت غیرقانونی‌اش، از حق ملاقات با وکیل یا حتی والدینش برخوردار نبود. وی همچنین اشاره می‌کند که با وجود آنکه به سن قانونی نرسیده بود، حتی وکیل تسخیری نیز برای وی تعیین نشد. کمیته بر این باور است که قسمت ب بند ۳ ماده ۱۴ میثاق مقرر می‌دارد که اشخاص متهم باید زمان و تسهیلات کافی برای تدارک دفاع و ارتباط با وکیل منتخب خود را دارا باشند. از دیدگاه کمیته این مقرره، عنصری

55. Gerardo Gayoso Martínez

56. United Nations CCPR/C/118/D/2107, Views Adopted by the Committee under Article 5 (4) of the Optional Protocol, Concerning Communication No. 2107/2011, Human Rights Committee 118th Session (28 October), 2016: Para. 9.5.

57. Vyacheslav Berezhnov

58. Saratov

حائز اهمیت جهت تضمین دادرسی عادلانه و اعمال اصل برابری سلاح‌هاست. کمیته همچنین با تأکید بر سن متهم و وضعیت آسیب‌پذیر وی از این حیث، اظهار می‌دارد که مفاد این مقرر در مورد متهم رعایت نشده و حق مندرج در قسمت ب بند ۳ ماده ۱۴ نسبت به وی نقض شده است.^{۵۹} در این قضیه علاوه بر لزوم برخورداری از وکیل و انتخابی بودن وی، وضعیت خاص سنی متهم نیز مورد توجه و تأکید دیوان قرار گرفته است.

لزوم رعایت حق برخورداری از وکیل در رویه کمیته صرفاً برای متهم و ناظر به پرونده‌های کیفری نبوده است. در دعوی آنتونی کیوری^{۶۰} علیه دولت جامائیکا (۱۹۸۹)، کمیته مقرر داشت که عدم امکان اخذ وکیل توسط کیوری شهروند جامائیکایی - جهت پیگیری دعوی مربوط به حقوق اساسی خود که ناشی از تعقیب کیفری‌اش بود، در تبریئه شدن یا نشدن از آن دعوی مؤثر بوده است. به‌زعم کمیته، دولت عضو متعهد است در دادگاه‌های قانون اساسی، روش‌های جبران خسارتی را نهادینه کند که رسیدگی به نقض حقوق بنیادین را به‌گونه‌ای مؤثر برای همگان فراهم کند. کمیته در تأیید ادعای خواهان تصریح می‌کند که معاضدت حقوقی به‌منظور جبران خسارت برای وی ضروری بوده و دولت وظیفه تضمین این حق را داشته است.^{۶۱} در نتیجه کمیته در دعوی غیر کیفری از جمله در دعوی مربوط به حقوق اساسی نیز قائل به تضمین حق برخورداری از وکیل است.

آخرین نمونه از شکایات مطروحه در کمیته از مواردی انتخاب شده است که یکی از موانع شکلی پیش‌گفته، کمیته را از ورود به ماهیت بازداشته است. در پرونده وان کوک کوئی^{۶۲} علیه دولت پرتغال (۲۲ اکتبر ۲۰۰۱)، خواهان که شهروند پرتغال و مقیم در شهر ماکائو^{۶۳} بود، در زمان ارائه شکایت به کمیته در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۹۹ در زندان کولوان^{۶۴} ماکائو بود. در آن تاریخ، ماکائو سرزمینی تحت حاکمیت چینی‌ها بود، ولی توسط پرتغالی‌ها اداره می‌شد (به‌موجب ماده ۲۹۲ قانون اساسی پرتغال). تنها چهار روز بعد (۲۰ دسامبر ۱۹۹۹) اداره این سرزمین نیز به چینی‌ها واگذار شد. خواهان مدعی نقض ماده ۱۴ میثاق در مورد خود بود. پرتغال در سال ۱۹۷۸ به میثاق و در ۱۹۸۳ به پروتکل الحاقی پیوسته بود؛ اما سندی دال بر

59. United Nations CCPR/C/97/D/1363, Views Adopted by the Committee, Concerning Communication No. 1363/2005, Human Rights Committee Ninety-seventh session Session (19 October), 2009: Paras. 2.3 & 2.8.

60. Antony Currie

61. Paoletti, op.cit. 655.

62. Wan Kuok Koi

63. Macao

64. Coloane

اعمال پروتکل بر ماکائو وجود نداشت، هرچند هیچ اعلامیه یا حق شرطی هم مبنی بر مستثنی شدن این سرزمین از جانب پرتغال صادر نشده بود. خواهان به اتهام تلاش علیه فرمانده پلیس قضایی ماکائو در ۱ مه ۱۹۹۸ بازداشت و چهل و هشت ساعت بعد نزد قاضی کیفری برده شد که حسب تشخیص قاضی، از آن اتهام مبری و بزه تشکیل گروه سرّی به وی قابل انتساب دانسته شد. در ۲۱ جولای ۱۹۹۸ وی محکوم شد. وکیل مدافع از ابتدای رسیدگی تا پایان شهادت شهود در دادگاه، از برقراری هرگونه تماس با موکل خود منع شده بود. کانون وکلای ماکائو مکاتبه‌ای فوری با شورای قضایی به عمل آورد و به این عملکرد اعتراض نمود. در پی تعیین قاضی ویژه برای این پرونده در اثنای رسیدگی و شائبه عدم بی طرفی، وکیل متهم در ۲۹ اکتبر ۱۹۹۹ با این استدلال که نمی‌تواند به‌گونه‌ای مؤثر و کارآمد از حقوق موکل خود دفاع کند، استعفاء داد. رئیس دادگاه یک حقوق‌دان جوان را به‌عنوان وکیل منصوب نمود؛ با وجود این، درخواست این شخص برای تعویق رسیدگی به‌منظور امکان دیدار با موکل و مطالعه سوابق پرونده را نپذیرفت. شخص مزبور نیز استعفاء داد و رئیس دادگاه منشی اول دادگاه را و پس از او منشی دیگر را به این منظور گماشت. هیچ‌یک از این اشخاص شرایط حداقلی برای تضمین دفاع را نداشتند. در نتیجه متهم در جریان دفاع فاقد وکیل بود و فرصت تعیین وکیل جدید هم به وی اعطاء نشد. حکم دادگاه در ۲۳ نوامبر ۱۹۹۹ صادر و متهم به پانزده سال حبس محکوم شد. دادگاه تجدیدنظر درحال رسیدگی مجدد بود که شکایت به کمیته ارائه شد. دولت پرتغال در مقام دفاع اظهار داشت که اولاً، ماکائو عضو پروتکل الحاقی نبوده؛ و ثانیاً، خواهان به مراجع داخلی دولت به‌طور کامل متوسل نشده و بر این اساس از کمیته درخواست نمود که شکایت را غیرقابل‌پذیرش اعلام کند. کمیته بر این باور است که صلاحیت رسیدگی به شکایت را تا جایی داراست که به نقض حقوق مقرر در میثاق توسط پرتغال مربوط می‌شود. از سوی دیگر کمیته اعلام می‌دارد که در زمان ارائه شکایت، دادگاه تجدیدنظر همچنان مشغول رسیدگی بود. در نهایت کمیته شکایت را به این سبب غیرقابل‌پذیرش اعلام می‌کند.^{۶۵} به این ترتیب عدم رعایت شرایط شکلی و قواعد دادرسی کمیته از سوی فرد شاکی در این قضیه، کمیته را از ورود به ماهیت امر بازداشت.

65. United Nations CCPR/C/OP/7, Selected Decisions of the Human Rights Committee under the Optional Protocol, Vol. 7, Human Rights Committee Sixty-Sixth to Seventy-Forth Session (July 1999 - March 2002), New York and Geneva, 2006: 22-25.

نتیجه

کمیته حقوق بشر به‌مثابه یکی از نهادهای معاهده‌ای حقوق بشر و برگرفته از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در دو حوزه نظریات عمومی و تصمیمات، نقض میثاق از جانب دولت‌های عضو را به ایشان متذکر شده و رویه‌ای را به جامعه حقوقی ارائه نموده است. کمیته در مقام ایفای هر دو مأموریت خود به ابزار تفسیر متوسل شده است. در نظریات عمومی صراحتاً تفسیر حکمی خود از مقررات میثاق را در گزارش‌های خود تبیین می‌کند و در تصمیمات به‌طور ضمنی تفسیر موضوعی خود از مقررات را بر اختلاف مطروحه بار می‌کند.

درست به همین دلیل است که کارکرد اخیر کمیته را وصف شبه‌قضایی نیز داده‌اند؛ چراکه گویی در آیین رسیدگی به شکایات کمیته همان رسالتی را ایفاء می‌کند که یک مرجع قضایی در مقام حل‌وفصل اختلاف به‌عمل می‌آورد؛ جز اینکه حاصل کار کمیته برخلاف مراجع قضایی برای دولت خوانده صراحتاً الزامی در پی ندارد. در نتیجه اگر مراجع قضایی در جریان تطبیق حکم بر موضوع و با بهره‌گیری از ابزار تفسیر و به‌رسمیت شناختن عرف بین‌المللی، عامل توسعه حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌روند، کمیته حقوق بشر را نیز می‌توان توسعه‌بخش نظام بین‌المللی حقوق بشر دانست. فقدان الزام در حاصل کار کمیته نیز خللی به این مهم وارد نمی‌کند؛ زیرا آرای مراجع قضایی نیز نظر به اصل نسبیّت صرفاً برای طرفین دعوا الزام‌آور است و برای ثالث الزامی ایجاد نمی‌کند؛ اما این عدم‌الزام مانع از نقش آن در توسعه و تحول حقوق بین‌الملل نخواهد شد.

کمیته حقوق بشر با متدولوژی پیش‌گفته در حوزه حق برخورداری از وکیل نیز توسعه و تحول ایجاد نموده است. کمیته در این زمینه از حق دفاع مندرج در میثاق به حق برخورداری از وکیل با بسیاری از توابع و ملزومات این حق نائل آمده است. بخش عمده این توسعه و تحول ناظر به ابهام‌زدایی از مفاد میثاق و به‌طور خاص ماده ۱۴ این معاهده بین‌المللی بوده است. کمیته به تبعیت از میثاق، در فرایند این رفع ابهام همواره پیوندی میان حق برخورداری از وکیل و دادرسی عادلانه برقرار نموده است. به‌واقع کمیته حق برخورداری از وکیل را حقی مستقل، لکن تابع محکّمات دادرسی عادلانه انگاشته است؛ به‌گونه‌ای که هر زمان در ابعاد مختلف این حق از جمله نحوه تماس و ارتباط با موکل، عدم‌اعمال نفوذ بر وکیل، حق دسترسی به کلیه اسناد دادرسی، حق حضور در جلسات دادرسی، حق تعویق جلسات بنا به شرایط و ... خلأ یا تردیدی ظاهر شده، کمیته این کمبود را با الهام از اقتضائات کلان دادرسی عادلانه مرتفع نموده است. نکته شایان توجه آن است که اگرچه بخشی از این اقتضائات با

موازن عدالت کیفری مشترک یا از آن قابل استنباط است، کمیته هرگز مستقیماً به این مفهوم متقارن اشاره نمی‌کند. این درحالی است که عدالت کیفری نیز در سطح حقوق بین‌الملل و به‌طور خاص در حقوق جزای بین‌الملل به رسمیت شناخته شده و در برخی اسناد بین‌المللی از جمله اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مصوب نهاده شده است. به‌نظر می‌رسد که ذکاوت کمیته در عدم استناد صریح به عدالت کیفری، نه بیان‌گر اولویت حقوق بشر یا دادرسی عادلانه بر عدالت کیفری است، بلکه جنبه صلاحیتی دارد. سبب را باید در آن جست که کمیته حقوق بشر اولاً، نهادی حقوق بشری در سطح حقوق بین‌الملل است؛ ثانیاً، برآمده از سندی بین‌المللی است که آن سند هم در قلمرو حقوق بشر تعریف می‌شود؛ ثالثاً، صلاحیت‌های اعطاء شده به کمیته در میثاق و پروتکل الحاقی نیز محدود به مفاد میثاق شده و فلسفه وجودی آن به‌عنوان یک رکن معاهده‌ای جز این نتواند بود؛ رابعاً، میثاق نیز صراحتاً اشاره‌ای به عدالت کیفری نکرده و چون از زاویه حقوق بشر به حق برخورداری از وکیل می‌نگرد، آن را در پرتو دادرسی عادلانه کاوش و تفسیر می‌نماید. در نتیجه اگرچه حق برخورداری از وکیل برای متهم حقی است که تکامل خود را مرهون توسعه عدالت کیفری است، اما کمیته دلیلی نمی‌بیند که با ورود به مفهوم متقارن عدالت کیفری، خود را در مظان عدول از مفاد میثاق قرار دهد. در عمل نیز می‌کوشد تا در پرتو الزامات دادرسی عادلانه، حق برخورداری از وکیل را آن‌چنان که سیاست‌گذاری‌های عدالت کیفری در صدد آن است، تأمین و تضمین نماید.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- باقری، سعید. «استرداد مجرمان در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد». مجله پژوهش‌های حقوقی ۲۲ (۱۳۹۱): ۵۲-۲۵.
- جوزف، سارا، جنی شولتز و ملیسا کسن. *میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: دعاوی، آموزه‌ها، تفاسیر*. ترجمه سید قاسم زمانی. جلد اول. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵.
- حسینی اکبرنژاد، حوریه. «اجرای فراسرزیمینی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با تکیه بر رویه کمیته حقوق بشر». مجله پژوهش‌های حقوقی ۱۶ (۱۳۸۸): ۱۲۱-۹۵.
- زمانی، سید قاسم، و هاله حسینی اکبرنژاد. «جامعه بین‌المللی و عدالت کیفری جهانی». *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی* (۳) ۴۵ (۱۳۹۴): ۳۳۹-۳۱۵.
- سادات‌اخوی، سید علی، و فرناز فکوری. «ارزش حقوقی دیدگاه‌های پایانی کمیته حقوق بشر». مجله حقوقی بین‌المللی ۴۳ (۱۳۸۹): ۸۶-۶۳.
- سلیمیان، ابوالفضل، و سعید دریایی بغدادآبادی. «جایگاه نهاد وکالت در چهارچوب اسناد بین‌المللی حقوق بشر». *مطالعات حقوق بشر اسلامی* ۹ (۱۳۹۴): ۸۶-۶۵.
- قاسمی، احمد. «حقوق متهم در دادرسی‌های کیفری ایران و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی». رساله دکترا، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۷.
- مهرپور، حسین. *حقوق بشر در نظام بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران*. چاپ اول. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.
- نالدی، جینو جی. «اقدام‌های موقت در کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد». ترجمه فرهاد خمایی‌زاده، *مجله تخصصی الهیات و حقوق* ۱۵ و ۱۶ (۱۳۸۴): ۳۲۲-۳۰۵.
- هاشمی، سید محمد، و امید نوروزی. «حقوق و آزادی‌های گروهی در رویه کمیته حقوق بشر». *مجله تحقیقات حقوقی آزاد* ۲۵ (۱۳۹۳): ۱۲۵-۱۱۱.
- هاشمی، شهناز، و عباس زارع. «رویه حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی باتوجه‌به قواعد بین‌الملل». *مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه* ۲/۴ (۱۳۹۵): ۲۲۱-۲۰۲.

ب. منابع خارجی

Buergethal, Thomas. "The U.N. Human Rights Committee." *Max Planck U.N. Year Book 5* (2001): 341-399.

Columbia Law School Human Rights Institute. "Equal Access to Justice: Ensuring Meaningful Access to Counsel in Civil Cases, Including Immigration Proceedings." Response to the Seventh to Ninth Periodic Reports of the United States to the Committee on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (July 2014).

Paoletti, Sarah. "Deriving Support from International Law for the Right to Counsel in Civil Cases." *Temple Political and Civil Rights Law Review* 15(3) (2006): 651-662.

U.N. Doc. A/36/40. General Assembly. "Report of the Human Rights Committee." Official Records: Thirty-Sixth Session, New York, 1981.

U.N. Doc. CCPR/C/GC/13. "Equality before the Courts and the Right to a Fair and Public Hearing by an Independent Court Established by Law (Art. 14)." Human Rights Committee - Twenty First Session: General Comment 13, Apr. 13, 1984.

U.N. Doc. CCPR/C/GC/32. "Article 14: Right to Equality before Courts and Tribunals and to a Fair Trial." Human Rights Committee - Ninetieth Session: General Comment 32, Aug. 23, 2007.

U.N. Doc. CCPR/C/GC/33. "The Obligations of States Parties under the Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights (Para. 11)." Human Rights Committee - Ninety-fourth Session: General Comment 33, Nov. 5, 2008.

U.N. Doc. CCPR/C/USA/CO/4. Human Rights Committee, "Concluding Observations - United States of America." Official Records: Session, New York, Apr. 23, 2014.

U.N. Doc. HRI/GEN/3/Rev.3. "Rules of Procedure of the Human Rights Committee." Ratified at 918th Meeting, Last Adoption at 1924th Meeting, 26 July 1989.

UNCPCO, "Basic Principles on the Role of Lawyers." Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Havana, Cuba, 27 August to 7 September 1990.

UNCTIF. "Basic Human Rights Reference Guide: Right to a Fair Trial and Due Process in the Context of Countering Terrorism." Office of the High Commissioner of Human Rights, New York, October 2014.

United Nations CCPR/C/118/D/2107, Views Adopted by the Committee under Article 5 (4) of the Optional Protocol, Concerning Communication No. 2107/2011, Human Rights Committee 118th Session (28 October), 2016.

United Nations CCPR/C/118/D/2128, Views Adopted by the Committee under Article 5 (4) of the Optional Protocol, Concerning Communication No. 2128/2012, Human Rights Committee 118th Session, 3 November, 2016.

United Nations CCPR/C/97/D/1363, Views Adopted by the Committee, Concerning Communication No. 1363/2005, Human Rights Committee Ninety-seventh session Session (19 October), 2009.

United Nations CCPR/C/98/D/1232, Views Adopted by the Committee, Concerning Communication No. 1232/2003, Human Rights Committee Ninety-eighth session Session (23 March), 2010.

United Nations CCPR/C/OP/3, Selected Decisions of the Human Rights Committee under the Optional Protocol, Vol. 3, Human Rights Committee Thirty-Third to Thirty-Ninth Session (July 1988 - July 1990), New York and Geneva, 2002.

United Nations CCPR/C/OP/7, Selected Decisions of the Human Rights Committee under the Optional Protocol, Vol. 7, Human Rights Committee Sixty-Sixth to Seventy-Forth Session (July 1999 - March 2002), New York and Geneva, 2006.

Zhang, Jixi. "Fair Trial Rights in ICCPR." *Journal of Politics and Law* 2(4) (2009): 39-44.